سازمان تجارت جهاني

2-1-1) مقدمه 6

2-1-2) موافقتنامه عمومي تعرفه و تجارت (گات) 7

2-1-3) اصول اساسي گات 8

2-1-3-1) اصل عدم تبعيض و تعميم اصل دولت كامله الوداد 8

2-1-3-2) اصل تثبيت و كاهش تعرفه‌هاي گمركي از طريق مذاكرات متوالي 9

الف

2-1-3-3) اصل مشورت 9

2-1-3-4) اصل حفاظتها 9

2-1-4) مذاكرات چند جانبه گات 10

2-1-5) ايجاد سازمان تجارت جهاني 12

2-1-6) تفاوتهاي گات با سازمان تجارت جهاني 12

2-1-7) ساختار سازمان تجارت جهاني 14

2-1-7-1) كنفرانس وزيران 14

2-1-7-2) شوراي عمومي 14

2-1-7-3) كميته‌ها 15

2-1-7-4) دبيرخانه 15

2-1-7-5) رويه تصميم‌گيري 15

2-1-8) اهداف و وظايف سازمان تجارت جهاني 16

2-1-9) مذاكرات تجاري پس از تأسيس سازمان تجارت جهاني 17

2-1-10) موافقتنامه عمومي راجع به تجارت خدمات 21

2-1-10-1) اقسام خدمات 22

2-1-10-2) اختلافات ميان كالاها و خدمات 23

2-1-10-3) چهار شيوه معاملات بين‌المللي خدمات 23

2-1-10-4) چگونگي اعطاي حمايت در بخشها و خدمات 24

2-1-11) متن چارچوب موافقتنامه 25

3-1-12) تعهدات كلي 26

2-1-12-1) رفتار دولت كامله الوداد 26

2-1-12-2) شفافيت: تأسيس واحدهاي تماس و پاسخگو 27

2-1-12-3) تأثير متقابل صلاحيتهاي مورد نياز براي عرضه خدمات 27

2-1-12-4) مقررارت حاكم بر انحصارها، عرضه‌كنندگان انحصاري خدمات و ساير

رويه‌هاي بازرگاني محدود كننده 28

2-1-12-5) تعهدات آزادسازي 31

2-1-12-6) پرداختها و انتقالات 31

2-1-12-7) افزايش مشاركت كننده‌هاي در حال توسعه 32

2-1-13) روند آزادسازي تجارت خدمات 33

2-1-13-1) چگونگي گنجاندن خدمات در نظام تجارت بين‌الملل 34

2-1-13-2) سابقه مذاكرات خدمات مالي در چارچوب موافقتنامه عمومي تجارت

خدمات 35

2-1-13-3) تعهدات خدمات مالي در مورد كشورهايي كه اخيراً به سازمان تجارت

جهاني پيوسته‌اند: 36

2-1-14) عضويت در سازمان تجارت جهاني 37

2-1-14-1) مشكلات پيچيدگيهاي الحاق به سازمان تجارت جهاني 38

2-1-14-2) نقش و وظيفه آنكتاد در پروسة الحاق 39

2-1-14-3) فرايند الحاق 40

2-1-15) سازمان تجارت جهاني و كشورهاي در حال توسعه 43

2-1-16) ايران و سازمان تجارت جهاني 44

2-1-16-1) الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني 4

2-1-16-2) مراحل هفت‌گانه عضويت ايران در سازمان تجارت جهاني 45

پ

2-1-16-3) جنبه‌هايي از تعارات حقوقي ايران، مقررات wto در صنعت بيمه 48

2-1-17) مزيتهاي عضويت در سازمان تجارت جهاني 50

2-1-17-1 منافع حاصل از روتين به سازمان تجارت جهاني در بخش خدمات 50

2-1-18) چالشها و فرصتها در فرآيند جهاني شدن اقتصاد 52

# سازمان تجارت جهاني

# 2-1-1) مقدمه:

سازمان تجارت جهاني نهادي بين المللي است كه با قواعد تجاري بين المللي سروكار دارد. هدف اين سازمان عبارتست از تسهيل تجارت بين كشورها از طريق ايجاد شرايط منصفانه و عادلانه براي رقابت. در راستاي اين هدف، سازمان تجارت جهاني كشورها را به مذاكره براي كاهش تعرفه ها و رفع ساير موانع تجارت ترغيب كرده و از آنها مي‌خواهد قواعد مشتركي را در مورد تجارت كالاها و خدمات اجرا كنند كه در ادامه در صفحات بعدي به طور كامل شرح داده است.

اعضاي سازمان تجارت جهاني موظفند قوانين، مقررات و رويه هاي ملي خود را كاملاً با مفاد اين موافقنامه ها هماهنگ سازند. هماهنگ شدن قواعد و مقررات كليه كشورها دربارة تجارت كالا و خدمات باعث تسهيل تجارت مي‌گردد. همچنين باعث مي‌شود كه مقررات ملي، موانعي غير ضروري براي تجارت به وجود نياورده و صادرات و واردات هيچ كشوري به وسيله ايجاد تعرفه‌هاي بالاتر و يا ساير موانع فرا راه تجارت دچار وقفه نگردد. هر چند پيوستن به سازمان جهاني تجارت ممكن است براي كشورها ضروري نباشد، ولي مزايا و فوايد نظام چند جانبه تجاري كه در سازمان جهاني تجارت و موافقتنامه هاي آن تبلور يافته است، فقط به اعضاي اين سازمان تعلق مي‌گيرد.

تجربه تلخ ناشي از مشكلات جنگ جهاني دهه 1930، بي نظمي‌اقتصاد بين الملل طي جنگ هاي اول ودوم جهاني و برقراري محدوديتها و موانع تجاري، تعدادي از كشورهاي جهان را در سال 1947 در هاوانا گرد هم آورد تا با اتخاذ سياستهاي ليبراليستي و توسعه همكاري متقابل اقتصادي و تجاري اوضاع اقتصاد بين الملل را سروسامان دهند.

# 2-1-2) موافقتنامه عمومي‌تعرفه و تجارت ( گات) GATT

گات علامتي اختصاري است و موافقتنامه اي است دربارة تعادل امتيازات تعرفه اي بين كشورهايي كه بيش از 95 درصد تجارت جهان به آنها تعلق دارد. گات به صورت يك موافقتنامه فراگير حاكم بر تجارت بين المللي بوده و حاوي يك رشته مقررات ناظر بر كاهش موانع تجاري تعرفه اي براي سامان بخشي به روابط تجاري و مبادله اي ميان كشورهاست ونيز عاليترين مرجع حل وفصل اختلافهاي تجاري ميان كشورهاي عضو به شمار مي‌رود.

به سخن ديگر موافقتنامة گات سندي است مركب ار 38 ماده ( اصل موافقتنامه) ، چهار فصل و تعداد زيادي فهرست ضمائم مشتمل بر مشخصات هزاران قلم كالايي كه در طول مذاكرات هشت گانه اين سازمان از طرف كشورهاي عضو، تعرفه گمركي آنها تعديل و كاهش يافته است.

اين موافقتنامه داراي چهار فصل است و مفاد اين موافقتنامه كشورهاي عضو آن را متعهد مي‌كند كه تجارت چند جانبه اي را با حداقل موانع تجاري بين خودشان گسترش داده و تعرفه ها و سهميه‌هاي وارداتي را كاهش داده و توافق نامه هاي امتياز تجاري را لغو كنند.

اين موافقتنامه در 30 اكتبر 1947 بين 23 كشور عمدتاً صنعتي طي قراردادي 34 ماده اي به امضاء رسيد. اين موافقتنامه به عنوان قراردادي موقتي در فصل چهارم منشور هاوانا ارائه شد كه هدف اصلي آن تشكيل سازمان بين المللي بازرگاني بود. هر چند طرح تشكيل سازمان بين المللي بازرگاني كه مهم تري ركن منشور هاوانا بود هيچ گاه عملي نشد ولي گات به هدف حذف موانع تجاري و آزاد سازي تجارت بين الملل موجوديت يافت به طوريكه در سال 1994 تعداد 124 كشور در آن عضويت يافتند و علي رغم تعداد اندك كشورهاي در حال توسعة عضو در بدو تأسيس آن در حال حاضر حدود دو سوم اعضاي اين سازمان را كشورهاي در حال توسعه تشكيل مي‌دهند.

# 2-1-3) اصول اساسي گات

به منظور نيل به اهداف گات، اصول و مكانيسم هايي براي كشورهاي متعاهد و عضو به شرح زير در نظر گرفته شده است[[1]](#footnote-1)

# 2-1-3-1) اصل عدم تبعيض و تعميم اصل دولت كامله الوداد (MFN) [[2]](#footnote-2)

به موجب اين اصل هرگونه امتياز، برتري و مصونيت اعطاء شده از طرف يكي از اعضاء به عضو ديگر بدون قيد و شرط به ساير طرفهاي متعاهد تعميم داده مي‌شود، نكتة قابل توجه اين است كه در اصل مذكور چندين استثناء از جمله موارد زير مطرح شده است:

الف) در اصل 24 تشكيل اتحاديه هاي گمركي و مناطق آزاد تجاري و انتظام هايي كه موقتاً در دوران انتقال اقتصادي اتخاذ مي‌گردد از اين امر مستثني شده اند. به عبارت ديگر امتيازهاي تعرفه‌اي كه برخي از كشورهاي عضو در تشكل هاي منطقه اي مانند اتحاديه هاي گمركي و يا بازار مشترك به يكديگر اعطاء مي‌كنند، شامل اصل دولت كامله الوداد نبوده و به ديگران تسري داده نمي‌شود.

ب) اصل 35 مقرر مي‌دارد چنانچه دو طرف متعاهد وارد مذاكرات مربوط به تبادل امتيازهاي تعرفه اي با يكديگر نشده باشند و هر يك از آنها هنگامي‌كه به عنوان طرف متعاهد پذيرفته شده اند به اجراي اين امر رضايت نداده اند، مفاد موافقتنامه بين آن دو طرف اجرا نمي‌شود.

ج) سيستم ترجيحات تجاري تعميم يافته (G.S.P) [[3]](#footnote-3) كه از اطراف كشورهاي پيشرفته فقط براي كشورهاي در حال توسعه به تصويب رسيده است و به ساير كشورهاي پيشرفته تسري داده نمي‌شود.

# 2-1-3-2) اصل تثبيت و كاهش تعرفه هاي گمركي از طريق مذاكرات متوالي

در دوره هاي مختلف گات به منظور افزايش مبادلات تجاري سقف تعرفه هاي گمركي كالاها تعيين مي‌شود و از كشورهاي عضو خواسته مي‌شود تدريجاً نسبت به كاهش ميزان تعرفه هاي گمركي خود اقدام كنند.

به موجب اين اصل تعرفه هاي گمركي تنها وسيله حمايتي بوده و برقراري موانع شبه تعرفه اي و غير تعرفه اي و مقداري ممنوع است.

بنابراين حمايت از توليدات داخلي بايد صرفاً با تغيير در ميزان تعرفه هاي گمركي انجام گيرد. كشورها تعهد مي‌كنند از توسل به وضع مالياتهاي داخلي و يا مقرراتي كه امتيازات حاصل از كاهش تعرفه هاي گمركي را به صورت ديگري برقرار كند، خودداري نمايند.

اين موارد شامل برقراري موانع شبه تعرفه اي مثل سود بازرگاني و يا موانع غير تعرفه اي چون عوارض گمركي، هزينه هاي گمركي، حق ثبت سفارش، مالياتهاي داخلي و غيره است كه معمولاً در جهت حمايت از توليدات داخلي، ممانعت از ورود و مصرف كالاهاي غير ضروري و كسب درآمد بيشتر وضع مي‌گردد.

# 2-1-3-3) اصل مشورت

هر نوع تغيير در تعرفه هاي گمركي بايد از طريق مذاكرات متناوب، مشاوره با كشورهاي عضو صورت گيرد تا از وارد شدن خسارت به تجارت ساير كشورها جلوگيري شود. اگر اين تغييرها با مشورت انجام نپذيرد و به تجارت ساير كشورها خسارت وارد شود، كشورهاي خسارت ديده اقدامات جبراني به عمل آورند.

# 2-1-3-4) اصل حفاظتها

برخي از موارد از حيطة قوانين و مقررات گات مستثني شده اند. از جمله:

- تأسيس صنايع نو پا در كشورهاي در حال توسعه از اصل دوم

-عدم تعادل در تراز پرداختهاي كشورهاي در حال توسعه از اصل دوم

- جلوگيري از واردات بي رويه به منظور حمايت از صنعت داخلي از اصل دوم

- كشاورزي و ماهيگيري از وضع سهميه ها( اصل دوم)

- منسوجات و پوشاك از وضع سهميه ها ( اصل دوم)

- اقداماتي كه در رابطه با امنيت ملي، حفظ سلامت، ايمني و اخلاق عمومي‌اتخاذ مي‌گردد از اصل دوم.

- اتحاديه هاي گمركي و مناطق آزاد تجاري از اصل دولت كامله الوداد.

- اعطاء يارانه به كالاهاي اوليه صادراتي از ممنوعيت اعطاء يارانه به صادرات

# 2-1-4) مذاكرات چند جانبه گات

محور اساس موافقتنامه عمومي‌تعرفه و تجارت ، گات، بر اساس تشكيل جلسات ميان اعضاء و حصول توافقهاي دو جانبه و چند جانبه ميان كشورها بوده است و بر اساس آن از سال 1947 تا سال 1995 جلسات گات طي هشت دوره مذاكرات برگزار شده است.

**جدول 2-1-1) : مذاكرات ادواري گات[[4]](#footnote-4)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| رديف | نام دور | زمان برگزاري | اهداف |
| دور اول | ژنو | 1947 | تأسيس گات |
| دور دوم | آنسي فرانسه | 1949 | كاهش تعرفه ها |
| دور سوم | توركواي انگلستان | 1951 | كاهش تعرفه ها |
| دور چهارم | ژنو | 56-1955 | كاهش تعرفه ها |
| دور پنجم | ژنو، دور ديلون | 1962-1960 | كاهش تعرفه ها |
| دور ششم | ژنو، دور كندي | 1967-1964 | كاهش تعرفه ها |
| دور هفتم | ژاپن، دور توكيو | 1979-1973 | كاهش كلي تعرفه به ميزان متوسط 35/0 |
|  |  |  | موانع غير تعرفه اي  ارزيابي گمركي  يارانه ها و اقدامات حمايت  ضد دامپينگ  استاندارد ها |
| دور هشتم | دور اروگوئه | 1994-1986 | يارانه ها و اقدامات حمايتي  موافقتنامه كشاورزي  تجارت خدمات  مالكيت فكري  تأسيس سازمان جهاني تجارت |

همانطور كه در جدول ( 2-1-1) ملاحظه مي‌شود مذاكرات دور اروگوئه طولاني ترين دور مذاكرات بوده كه هفت سال بطول انجاميد. دور اروگوئه نام خود را از كنفرانس وزرا كه در پونتادل استه اروگوئه برگزار گرديد. برگرفته است.

# 2-1-5) ايجاد سازمان تجارت جهاني[[5]](#footnote-5)

پس از هشت دور مذاكرات براي از بين بردن موانع تجاري، سازمان تجارت جهاني تأسيس گرديد. دور اروگونه بسط كامل مقررات گات بود كه در آن كشورهاي عضو ملزم به ايفاي تعهدات خود شدند و سازمان تجارت جهاني بر خلاف گات، قدرت اجرايي يافت. در اين دور، مقررات آزاد‌سازي از تجارت كالا فراتر رفت و ساير جنبه هاي تجارت بين المللي را نيز در برگرفت. در اين دور موافقتنامه عمومي‌ راجع به تجارت خدمات (GATS) و چند موافقتنامه ديگر نيز به ساير مقررات گات اضافه شد. ايجاد سازمان تجارت جهاني در آخرين سالهاي قرن بيستم توأم با پيشرفتهاي چشمگير صنعت اطلاعات و مخابرات تحول عظيمي‌در ارتباطات تجاري به وجود آورد. فن آوري تجارت الكترونيكي همراه با نگرش بين المللي داير بر از بين رفتن مرزهاي اقتصادي، به خصوص پس از فرو پاشي نظامهاي بسته منطقه اي و ايجاد جغرافياي باز، جهانگرايي اقتصادي را موجب و باعث پديد آمدن دهكده جهاني گرديد.

# 2-1-6) تفاوتهاي گات با سازمان تجارت جهاني [[6]](#footnote-6)

گات در واقع مجموعه اي از قواعد و مقرراتي بود كه هرگز از يك مبناي حقوقي به عنوان يك نهاد بين المللي بر خوردار نبود و به طور موقت شكل گرفته بود، در حاليكه سازمان تجارت جهاني يك نهاد بين المللي با ساختار سازماني دائمي‌است. در اين خصوص گفته مي‌شود كه سازمان تجارت جهاني يعني گات به اضافه خيلي چيزهاي ديگر.

سازمان تجارت جهاني كه از سال 1995 جايگزين گات شده است يك سازمان بين المللي است كه علاوه بر موافقتنامه عمومي‌تعرفه و تجارت، در چارچوب موافقتنامه هاي متعدد ديگري بر حقوق و تعهدات اعضاء نظارت مي‌كند. اين سازمان علاوه بر تجارت كالا كه در گات مورد نظر بود. تجارت خدمات و جنبه هاي تجاري مرتبط با مالكيت فكري را نيز تحت پوشش دارد.

از طرفي در سازمان تجارت جهاني نظام حل و فصل اختلافات وجود دارد كه براي بررسي محدوديت زماني تعيين شده و از اين لحاظ از سرعت بيشتري نسبت به نظام حل و فصل اختلافات گات برخوردار است. در اين نظام كه جنبه خود كار دارد احتمال تأخير و كار شكني كمتر است. هم چنين يك نهاد براي فرجام خواهي و بررسي نظرات هيأت حل و فصل اختلافات نيز در سازمان تجارت جهاني وجود دارد.

در حال حاضر 148 كشور عضو سازمان تجارت جهاني هستند كه بيش از 95 درصد تجارت جهاني را به خود اختصاص داده اند.

با توجه به مقررات خاص اين سازمان در برخي موارد كشورهاي عضو مي‌توانند تا 600 درصد بر كالاهاي كه از كشورهاي غير عضو وارد و كشورشان مي‌شود تعرفه ببندند. به عبارت ديگر عضو نبودن در اين سازمان به معناي انزواي بين المللي و ناتواني از صادر كردن كالا به ساير كشورها است.

در سازمان تجارت جهاني از بدو تأسيس، با توجه به شكاف رفاهي بين كشورهاي در حال توسعه و صنعتي امتيازاتي براي كشورهاي در حال توسعه در نظر گرفته شده است.

براي نمونه در دور اروگوئه مقرر گرديد از سال 1995 كشورهاي صنعتي پنج سال فرصت براي هماهنگ سازي مقررات خود با قوانين WTO داشته باشند در حاليكه اين مهلت براي كشورهاي در حال توسعه ده سال تعيين گرديد.

كشورهاي در حال توسعه با توجه به اكثريتي كه در WTO دارند و با هماهنگي و همكاري و افزايش توان علمي، فني و اطلاعاتي خود مي‌توانند امتيازهاي قابل توجهي در صحنه تجارت جهاني كسب نمايند.

# 2-1-7) ساختار سازمان جهاني تجارت

ماده 4 موافقتنامه تأسيس WTO، ساختار سازمان را چنين بيان مي‌كند:

# 2-1-7-1) كنفرانس وزيران:

اين ركن مركب از نمايندگان تمامي‌اعضاء سازمان است كه وظابف سازمان را انجام مي‌دهند. كنفرانس وزيران اختيارات لازم براي تصميم گيري در مورد همه مسائل مربوط به هر يك از موافقتنامه هاي تجاري را داراست.

# 2-1-7-2) شوراي عمومي:

در خلال دو سال ميان اجلاس قبلي و بعدي، وظايف كنفرانس را شوراي عمومي‌انجام مي‌دهد. شوراي عمومي‌هنگامي‌كه شكايات را مورد بررسي قرار داده و اقدامات ضروري براي حل و فصل اختلافات ميان كشورهاي عضو را به عمل مي‌آورد در نقش ركن حل و فصل اختلافات تشكيل جلسه مي‌دهد همچنين مسئول انجام بررسي سياستهاي تجاري هر يك از كشورها، براساس گزارشهايي است كه دبير خانه سازمان فراهم كرده است. واحدهاي ذيل شوراي عمومي‌را در اجراي وظايفش ياري مي‌كنند:

**- شوراهاي بخشي:**

1. شوراي تجارت كالا، كه بر اجراي كاركرد گات 1994 و موافقتنامه هاي وابسته به آن نظارت مي‌كند.
2. شوراي تجارت خدمات، كه بر احراي كاركرد موافقتنامه عمومي‌راجع به تجارت خدمات نظارت مي‌كند.
3. شوراي جنبه هاي مرتبط با تجارت حقوق مالكيت معنوي كه بر كاركرد موافقتنامه راجع به جنبه هاي مرتبط با تجارت حقوق مالكيت معنوي نظارت دارد.

# 2-1-7-3) كميته ها:

هر يك از شوراهاي سطوح عالي داراي كميته هاي وابسته به خود هستند كه از نظر سلسله مراتب سازماني در مرحله بعد از شوراها قرار مي‌گيرند. اين كميته ها متشكل از تمامي‌اعضاي سازمان تجارت جهان هستند و به شوراهاي مربوط گزارش مي‌دهند.

# 2-1-7-4) دبيرخانه[[7]](#footnote-7):

سازمان تجارت جهاني در ژنوسوئيس مستقر است و رياست آن با مدير كل است، اين مدير كل براي يك دوره چهار ساله انتخاب مي‌شود. مدير كل چهار معاون دارد كه وي را در امور كاري ياري مي‌كنند. وي آنها را با مشورت كشورهاي عضو منصوب مي‌نمايد. دبيرخانه سازمان تجارت جهاني حدود 450 كارمند از مليتهاي گوناگون دارد، با تأسيس سازمان در اول ژانويه 1995، تمام كاركنان گات جذب آن شدند. انتظار مي‌رود كه مديز كل و كارمندانش در اجراي وظايف خود، هيچگونه دستوري را از هيچ دولت و مقام ديگر خارج از سازمان نپذيرد و بدين ترتيب خصيصه بين المللي بودن دبير كل را حفظ كنند.

# 2-1-7-5) رويه تصميم گيري

موافقتنامه تصريح دارد كه سازمان، رويه تصميم گيري گات يعني اجماع را ادامه دهد. فرض بر آنست كه اجماع زماني بدست مي‌آيد كه در هنگام اتخاذ تصميم، هيچ كشور عضوي با تصويب آن مخالفت نكند. بر خلاف صندوق بين المللي پول و ساير سازمانها، سازمان تجارت جهاني سيستم رأي گيري وزن داري ندارد كه طبق آن برخي كشورها بتوانند بيش از ديگران حق رأي داشته باشند.

# 2-1-8) اهداف و وظايف سازمان تجارت جهاني[[8]](#footnote-8)

در مقدمة موافقتنامه تأسيس سازمان، اهداف اساسي گات تأييد گرديده است. ضمن اينكه در سازمان جديد، نه تنها اين اهداف بخش هاي كالايي بلكه علاوه بر آن، بخش خدمات را نيز شامل خواهد شد و ضمناً اهداف ديگري براي آن به شرح زير در نظر گرفته شده است:

- ضرورت دستيابي به « توسعه پايدار» با توجه به بهره برداري بهينه از منابع جهان و لزوم حفظ محيط زيست به نحوي كه با سطوح مختلف توسعة اقتصادي سازگاري داشته باشد.

- تأكيد بر لزوم اتخاذ تدابيري درجهت افزايش سهم كشورهاي در حال توسعه و كمتر توسعه يافته از رشد بين المللي

اين سازمان پنج وظيفه عمده را نيز عهده دار خلاصه بود:

1- مديريت و تسهيل عمليات اجرايي و توسعه اهداف موافقتنامة سازمان تجارت جهاني سازمان هم چنين چارچوب لازم را براي اجراي مديريت موافقتنامه هاي چند جانبه فراهم خواهد كرد.

2- فراهم كردن امكان گردهمايي اعضاء براي مذاكره و مشورت درباره روابط چند جانبة تجاري

3- اجراي تفاهم ها و مقررات مربوط به روشهاي حل اختلاف.

4- فراهم آوردن مكانيسم بررسي و تجديد نظر در سياستهاي تجاري.

5- همكاري با صندوق بين المللي پول، بانك بين المللي ترميم و توسعه و سازمان هاي وابسته به آن.

# 2-1-9) مذاكرات تجاري پس از تأسيس سازمان تجارت جهاني[[9]](#footnote-9)

پس از تأسيس سازمان تجارت جهاني ديدگاههاي مختلفي در خصوص چگونگي انجام مذاكرات چند جانبه براي آزاد سازي تجارت جهاني مطرح شد. عده اي بر اين باور بودند كه با تأسيس سازمان تجارت جهاني عصر مذاكرات ادواري پايان يافته و كشورهاي عضو در چارچوب اين سازمان از جمله در درون كنفرانس وزيران، شوراي عمومي، شوراهاي بخشي و كميته هاي تخصصي قادر به حل و فصل مسائل مربوط به نظام تجاري چند جانبه خواهند بود

پيچيدگي و گسترة اين مذاكرات از يك سو و ضرورت گنجاندن مسائل ديگر در دستور آزاد سازي تجاري از سويي ديگر به زودي نا كارآمدي اين نظر را بر ملا كرد.

متعاقب اين موقعيت، بر اساس ديدگاهي كه معتقد به پيگيري مسائل مربوط به آزاد سازي تجاري ازطريق برگزاري مذاكرات ادواري بود تلاشهايي براي شروع دور جديد مذاكرات آزاد سازي تجاري آغاز شد. در اولين نشست كنفرانس وزيران سازمان تجارت جهاني كه در دسامبر 1996 در سنگاپور برگزار شد بحث گسترش آزاد سازي به ساير عرصه ها در كانون توجهات قرار گرفت.

بيانيه پاياني نشست سنگاپور در واقع تصويري اوليه از چگونگي برگزاري اولين دور مذاكرات چند جانبه تجاري جهان پس از تأسيس سازمان تجارت جهاني را بدست مي‌دهد.

دومين نشست كنفرانس وزيران كه در ماه مه سال 1998 در شهر ژنو برگزار شد، اين تصوير را واضح تر كرد و در نهايت موعد شروع دور جديد مذاكرات آزاد سازي تجاري جهان به زمان برگزاري سومين نشست كنفرانس وزيران اين سازمان در شهر سياتل آمريكا موكول شد. برخلاف آنچه انتظار مي‌رفت سومين نشست كنفرانس وزيران سازمان تجارت جهاني كه در اواخر نوامبر و اوايل دسامبر سال 1999 در سياتل آمريكا برگزار شد، نتوانست با شروع دور جديد مذاكرات آزاد سازي تجاري جهان موافقت كند. دليل اين امر نبود آمادگي و اختلاف نظر شركت كنندگان در آن نشست بود.

در فاصله پايان دور اروگوئه تا كنفراس سياتل، كشورهاي عضو سازمان بدليل دغدغه‌هاي سياسي، اجتماعي و اقتصادي كه پس از فرو پاشي اتحاد شوروي سابق با آن مواجه بودند، نتوانستند به خوبي تحولات جديد نظام تجاري چند جانبه را درك و براي استحكام و تقويت بيشتر آن زمينه سازي كنند. بر اين اساس، اين كشورها بيش از كنفرانس سياتل اقدامهاي لازم براي تهية يك دستور كار مورد توافق را انجام ندادند.

وقتي وزيران كشورهاي عضو سازمان تجارت جهاني در نوامبر 1999 براي شروع دور جديد مذاكرات آزاد سازي تجاري جهان در سياتل گرد هم آمدند، به يك باره با اختلاف نظر و منافع متضاد روبه رو شدند. اين اختلافها از يك سو بين كشورهاي صنعتي و پيشرفته با يكديگر و از سوي ديگر بين آنها و كشورهاي در حال توسعه و فقير بود. به عنوان نمونه بزرگترين اختلاف نظر بين آمريكا و اتحاديه اروپا و حاميان هر يك از اين دو بلوك بود. در حاليكه آمريكا خواستار گنجاندن مسئله كاهش يارانه هاي كشاورزي در دور جديد مذكرات بود، اتحادية اروپا كه بخش مهمي‌از بودجة خود را صرف پرداخت يارانه هاي كشاورزي مي‌كند و با اين شيوه قدرت رقابتي محصولات خود در بازارهاي جهاني را افزايش مي‌دهد به هيچ وجه حاضر به امتياز دادن در اين باره نبود. اختلاف نظر شديد ديگري بين آمريكا و ژاپن بر سر مقررات ضد دامپينگ وجود داشت. اختلاف نظر كشورهاي پيشرفته با كشورهاي در حال توسعه بر سر گنجاندن مسائل مربوط به معيارهاي كارگري و زيست محيطي و موضوعات مرتبط با اجراي موافقتنامه سازمان تجارت جهاني بود.

مجموع اين عوامل به اضافة تظاهرات و اعتراضات مخالفان جهاني شدن كه براي اولين بار در سطح گسترده اي برگزار شد، كنفرانس سياتل را تحت الشعاع قرار داد و مانع از برگزاري دور جديد مذاكرات تجاري شد كه قرار بود به نام « دور هزاره» ثبت شود.

در پايان كنفرانس سياتل اعلام شد كه به توافق نرسيدن در مورد شروع دور جديد مذاكرات به مفهوم صرف نظر كردن از اين موضوع نيست و اعضاي سازمان تجارت جهاني بحث دربارة اين موضوع را در ژنو، مقر سازمان، پي گيري خواهند كرد. بر همين اساس از زمان نشست سياتل به بعد بحث هاي مربوط به دور جديد مذاكرات با شدت ادامه يافت.

اين بحثها بيشتر دربارة تحليل عوامل مؤثري بود كه مانع از شروع دور جديد مذاكرات در سياتل شد، هدف اين بحثها پرهيز از شكست مجدد و نيز چگونگي تدوين دستور كاري مطلوب و مورد توافق همه بود. از زماني كه شوراي عمومي‌سازمان تجارت جهاني موعد برگزاري چهارمين نشست كنفرانس وزيران آن سازمان را روزهاي نهم تا سيزدهم نوامبر 2001 ( 18 تا 23 آبان 1380 ) در شهر دوحه قطر تعيين كرد تلاش كشورها براي شروع دور جديد مذاكرات هم زمان با اين نشست به شدت افزايش يافت.

اعضاي سازمان تجارت جهاني و به ويژه كشورهاي پيشرفته و توسعه يافته، دلايل مختلف اقتصادي و نهادي را براي شروع دور جديد مطرح كردند. آنها بر اين باور بودند كه شروع دور جديد مذاكرات و گسترش آزاد سازي تجاري مي‌تواند كمك بزرگي به رونق هر چه بيشتر اقتصاد جهان كند كه در سراشيبي ركود قرار داشت.

هم چنين آنها معتقد بودند كه اگر نظام تجاري چند جانبه جهان كه از زمان گات تاكنون مراحل تكاملي مختلف خود را پشت سر گذاشته و اكنون در چارچوب سازمان تجارت جهاني بشكل گرفته، نتواند مسير تكامل را هم چنان ادامه دهد موضوعيت خود را از دست خواهد داد.

به علاوه، اعضاي سازمان تجارت جهاني معتقد بودند از آنجا كه پس از شكست كنفرانس سياتل در برگزاري دور جديد مذاكرات، بحث ها و مذاكرات زيادي براي شروع اين دور در اين سازمان صورت گرفته، برگزار نكردن دور جديد در نشست دوم به معناي عبث بودن بحث‌ها و مذاكرات دوساله خواهد بود كه نتيجة آن چيزي نخواهد بود جز بي اعتمادي و بي اعتنايي جهانيان به WTO نكته ديگر مطرح شده در اين زمينه اين بود كه اگر دور جديد آزاد سازي تجاري در چارچوب نظام تجاري چند جانبة جهاني صورت نگيرد، اين مسئله در چارچوب مذاكرات تجاري دو جانبه يا در چارچوب اتحاديه هاي تجاري منطقه اي دنبال خواهد شد ونتيجه آن بيشتر به نفع كشورهاي قدرتمند خواهد بود كه قدرت چانه زني بيشتر دارند.

هم چنين آنها نگران اين بودند كه شروع نشدن دور جديد ممكن است به بازگشت كشورها به سياستهاي حمايت گرايانه منجر شود كه علاوه بر تشديد ركود اقتصاد جهان زيانهايي براي همة كشورها به دنبال دارد و به اختلاف سياسي آنها نيز دامن مي‌زند.

به دليل گستردگي موضوعات مورد بحث و نيز تنوع و تضاد منافعي كه در دور جديد مذاكرات بين كشورهاي عضو سازمان تجارت جهاني وجود داشت، مباحث و مذاكراتي كه از 10 ماه پيش از نشست دوحه در اين خصوص صورت گرفته بود نيز گستردگي و پيچيدگي خاصي داشت.

اما بدون ترديد مسئله شروع دور جديد مذاكرات مهم ترين موضوع اين نشست بود، بنابراين موفقيت و شكست نشست دوحه نيز با آن گره خورده بود.

به هر حال متن بيانيه وزيران هم مورد اعتراض برخي كشورها به ويژه هند قرار گرفت.

متعاقب رايزني هاي وزيران سازمان تجارت جهاني، سرانجام موافقت كشورهاي معترض از جمله هند نيز كسب شد و به اين صورت در نهايت چهارمين نشست كنفرانس وزيران سازمان تجارت جهاني با انتشار بيانيه اي مبني بر موافقت كشورهاي عضو اين سازمان با شروع دور جديد مذاكرات تجاري چند جانبه به طور موفقيت آميز به كار خود پايان داد.

در دور جديد مذاكرات كه از 31 ژانويه سال 2002 ( 11 بهمن 1380) آغاز شده و تا اول ژانويه سال 2005 به مدت سه سال ادامه مي‌يابد، مذاكراتي در مورد آزاد سازي تجاري و تدوين مقررات چند جانبه دور در زمينه هايي كه دستور كار آن مشخص است صورت مي‌گيرد.

موضوعهاي دستور كار دور جديد مذاكرات عبارتند از : مسائل و موضوعهاي مرتبط با اجراي موافقتنامه هاي موجود سازمان تجارت جهاني، كشاورزي، تجارت خدمات، تعرفه هاي صنعتي، دسترسي به بازار براي محصولات غير كشاورزي، جنبه هاي تجاري مالكيت فكري، تجارت و سرمايه گذاري، تجارت و سياست رقابتي، شفافيت در خريدهاي دولتي، تسهيل تجاري، مقررات سازمان تجارت جهاني، تجارت و محيط زيست، تجارت بدهي و تأمين مالي، تجارت و انتقال فناوري، تجارت الكتروتيكي، اقتصادهاي كوچك، همكاري فني و ظرافيت‌سازي، كشورهاي كمتر توسعه يافته و رفتار ويژه و متفاوت با كشورهاي در حال توسعه.

بدون ترديد آنچه پايان اين مذاكرات به عنوان موافقتنامه مورد قبول و تصويب كشورهاي عضو سازمان تجارت جهاني قرار گيرد، به مقرراتي لازم الاجرا تبديل خواهد شد كه مناسبات آتي آنها با يكديگر را تنظيم مي‌كند.

# 2-1-10) موافقتنامه عمومي‌راجع به تجارت خدمات[[10]](#footnote-10)

يكي از دستاوردهاي دور اروگوئه، موافقتنامه عمومي‌راجع به تجارت خدمات مي‌باشد. قواعد گات تا آن زمان فقط مربوط به تجارت كالا بود. ولي پس از اين نشست، طبق توافق صورت گرفته، قواعد اصلي حاكم بر تجارت كالا بر تجارت خدمات نيز اعمال شد. البته اين قواعد به طور مناسبي اصلاح شدند تا اختلافات بين كالا و خدمات و چهار شيوه اي كه طبق آن تجارت بين المللي خدمات انجام مي‌گيرد را در نظر قرار دهند.

خدمات مالي درGATS به دو حوزة بزرگ تقسيم مي‌شود، يكي خدمات بيمه و مرتبط با بيمه ديگري بانك و ساير خدمات مالي. از آنجا كه موضوع رساله به بيمه مربوط مي‌شود لذا با تفضيل بيشتري اين قسمت را ارائه مي‌دهيم.

# 2-1-10-1) اقسام خدمات

اصطلاح «خدمات» دامنه وسيعي از فعاليتهاي اقتصادي را در بر مي‌گيرد. دبيرخانه سازمان تجارت جهاني اين فعاليتهاي گوناگون را به 12 بخش ذيل تقسيم نموده است:

- خدمات بازرگاني ( شامل خدمات حرفه اي و كامپيوتر)

- خدمات ارتباطات،

- خدمات توزيع،

- خدمات آموزشي،

- خدمات محيط زيست،

- خدمات مالي( بيمه و بانكداري)،

- خدمات بهداشت،

- خدمات جهانگردي و مسافرت،

- خدمات تفريحي، فرهنگي و ورزشي،

- خدمات حمل و نقل،

- ساير خدماتي كه در جاي ديگر گنجانده نشده است،

اين 12 بخش بعداً به 155 زير بخش تقسيم شده اند.

# 2-1-10-2) اختلافات ميان كالاها و خدمات.

در تعريف اكونوميست از خدمات چنين آمده است:« هر چيزي كه در معامله اي فروخته شود ولي نتوان آنرا رؤيت نمود، يك خدمت محسوب مي‌شود».

يكي از ويژگيهاي اصلي خدمات آنست كه بر خلاف كالاها، نامحسوس و غير قابل لمس هستند. علاوه بر اين خدمات را نمي‌توان ذخيره كرد. هم چنين موانع تجارت خدمات بر خلاف كالا تعرفه اي نيست بلكه به صورت محدوديتهاي قانوني است. مجموعة اين ويژگيها باعث شد كه موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات رويكرد ويژه‌اي را اتخاذ نمايد.

# 2-1-10-3) چهار شيوه معاملات بين المللي خدمات[[11]](#footnote-11)

بر خلاف معاملات بين المللي كالاها كه مستلزم عبور مادي از مرزهاي يك كشور است خدمات از لحاظ بين المللي مطابق با يك شيوه يا تركيبي از چهار شيوة عرضه به شرح ذيل ارائه مي‌شوند:

1. عبور محصولات خدمات از مرز (cross – border supply): در اين حالت عرضه كننده خدمت بدون آنكه در كشور ديگر حضور يابد خدمات را به مصرف كنندة عرضه مي‌كند. در مورد خدمات بيمه اين شيوه رايج است، يعني يك شركت بيمه خارجي بدون آنكه شعبه يا نمايندگي در كشور ديگري ايجاد نمايد از طريق اينترنت، فاكس و غيره اقدام به صدور بيمه نامه براي مصرف كننده در كشور ديگر مي‌نمايد. به عبارتي، در اين شيوه بيمه گذار در يك كشور و بيمه گر در كشور ديگر حضور دارند. در معاملات بين المللي بيمه اين شيوه بخصوص در مورد بيمه هاي حمل و نقل و اتكايي بسيار رايج است.
2. مصرف در خارج (Consumption abroad) : در اين شيوه مصرف كننده با حضور در كشوري كه در آن خدمات عرضه مي‌گردد از آن بهره مند مي‌شود. كاربرد اين شيوه عمدتاً در خدمات گردشگري و پزشكي است. در اين زمنيه بيمه هاي درماني، عمر و حوادث شخصي مي‌تواند كاربرد داشته باشد.
3. حضور تجاري (Commercial presence) : در اين حالت عرضه كننده خارجي اقدام به تأسيس شعبه شركت فرعي‌ يا نمايندگي در كشور مصرف كننده مي‌نمايد. اين شيوه رايج ترين نوع ارائه خدمات در سطح بين المللي است. در مورد خدمات بيمه تأسيس نمايندگي بيمه، سرمايه گذاري مشترك و تأسيس شعبه بسيار رايج است.
4. انتقال اشخاص حقيقي(Presence of natural persons) : نقل مكان موقت اشخاص حقيقي به كشور ديگر به منظور ارائه خدمات در آن كشور شيوه اي است كه كاربرد محدودي دارد. در مورد خدمات بيمه مي‌توان از حضور مشاورين بيمه و اكچوئرها به عنوان اشخاص حقيقي براي عرضه خدمات جنبي بيمه و يا واسطه گري نام برد. كل ارزش خدماتي كه از طريق دو شيوه آخر معامله مي‌شود، احتمالاً بيشتر از ارزش معاملاتي است كه از طريق دو شيوه اول صورت مي‌گيرد.

# 2-1-10-4) چگونگي اعطاي حمايت در بخشهاي خدمات[[12]](#footnote-12)

اختلاف عمده ديگر ميان كالاها و خدمات در روش اعطاي حمايت از سوي دولت به صنايع داخلي است. صنايعي كه كالا توليد مي‌كنند. عموماً با وضع تعرفه ها يا ساير اقدامات مرزي نظير محدوديتهاي كمي‌حمايت مي‌شوند. همانطور كه ذكر گرديد مقررات گات از كشورها مي‌خواهد تا اين قبيل حمايت را از طريق تعرفه ها انجام داده و آنها را تشويق مي‌كند از محدوديتهاي كمي‌يا ساير اقدامات محدود كننده مشابه استفاده نكنند. به خاطر غير محسوس بودن خدمات و از آن جائيكه بسياري از معاملات خدمات متضمن انتقالات فرامرزي نيست حمايت از صنايع خدماتي نمي‌تواند از طريق اقدامات قابل اعمال در مرز اعطا شود. صنايع عمدتاً با وضع مقررات داخلي در مورد سرمايه گذاري مستقيم خارجي و مشاركت عرضه كنندگان خارجي خدمات در صنايع داخلي مورد حمايت قرار مي‌گيرند. براي مثال اين قبيل مقررات ممكن است عرضه كنندگان خارجي ( مثلا بانكها يا شركتهاي بيمه) را از سرمايه گذاري يا تأسيس شعبه كه براي عرضه خدمات ضروريست منع نمايند.

ممكن است مقررات به نحو تبعيض آميزي در خصوص اشخاص حقيقي كه خدمات ارائه مي‌دهند، اعمال شود. و بدين ترتيب رفتاري نا مساعدتر از رفتار با توليد كنندگان داخلي آنها در پيش گرفته شود ( عدم اعمال اصل رفتار ملي)

هم چنين ممكن است اين مقررات رفتار غير يكساني با تأمين كنندگان خدمات از كشورهاي متفاوت ( عدم اعمال دولت كامله الوداد) را در نظر گيرند.

# 2-1-11) متن چارچوب موافقتنامه

حوزة شمول وتعهد اصلي:

موافقتنامه براي اقدامات دولتي مؤثر بر خدمات كه، به صورت تجاري ارائه مي‌شود اعمال مي‌گردد. بدين ترتيب بنگاههاي بخش خصوصي و شركتهاي تحت تملك( يا تحت كنترل) دولت ها را كه خدمات را به صورت تجاري عرضه مي‌نمايند را در بر مي‌گيرد. خدماتي كه ادارات و مؤسسات دولتي براي استفاده شخصي خود به دست مي‌آورند از شمول موافقتنامه مستثني هستند. مقررات موافقتنامه راجع به خريد دولتي اين قبيل معاملات را در بر مي‌گيرد.

اصطلاح خدمات هر خدمتي در هر بخش از خدمات، از جمله توليد، توزيع، بازاريابي، فروش و تحويل مطابق چهار شيوة توصيف شده را شامل مي‌شود.

تعهداتي راكه در اين چارچوب وضع مي‌كند مي‌توان به طور كلي به دو دسته تقسيم كرد:

- تعهدات كلي كه بر تمامي‌بخش هاي خدمات اعمال مي‌شود.

- تعهدات مشروط و قابل اعمال بر بخشهاي تحت پوشش تعهدات مندرج درجداول ملي.

# 2-1-12 ) تعهدات كلي

در ميان تعهدات كلي با اهميتي كه متن چارچوب وضع مي‌نمايد مي‌توان به آنهايي كه به موارد ذيل مربوط مي‌شوند اشاره كرد:

الف- تعميم رفتار دولت كامله الوداد

ب-شفافيت مقرارت.

پ- تأييد متقابل صلاحيتهاي مورد نياز براي عرضه خدمات

ت- قواعد حاكم بر انحصارها و عرضه كنندگان انحصاري خدمات و ساير رويه هاي بازرگاني محدود كننده رقابت.

ث- اقداماتي كه براي آزاد سازي تجارت بايد انجام داد از جمله آنهايي كه مشاركت بيشتر كشورهاي در حال توسعه را تضمين مي‌نمايد.

ج- پرداختها و انتقالات

چ- افزايش مشاركت كشورهاي در حال توسعه

# 2-1-12-1) رفتار دولت كامله الوداد

متن چارچوب تعهدي را براي اعمال رفتار دولت كامله الوداد در موارد ذيل ايجاد مي‌نمايد:

- براي محصولات خدمات

- براي عرضه كنندگان خدمات.

موافقتنامه بيش بيني مي‌كند كه براي هر كشوري امكانپذير است كه طي دوره انتقالي 10 ساله اقداماتي را كه با اين قاعده ناسازگار است با درج آنها در فهرست استثنائات حفظ كند.

اين معافيتها موقتي است و قرار است نياز براي آنها به نحو ادواري پس از 5 سال مورد بررسي قرار گيرد. آنها بايد پس از 10 سال از ميان برداشته شوند. از آن زمان به بعد قاعده دولت كامله الوداد به همان صورتي كه بر تجارت كالا اعمال مي‌گردد بدون قيد و شرط بر تجارت خدمات نيز اعمال خواهد شد.

# 2-1-12-2) - شفافيت: تأسيس واحدهاي تماس و پاسخگو

عرضه كنندگان خارجي اغلب در مي‌يابند كه تجارت با شركتهاي كشورهاي خارجي به خاطر قواعد و مقرارتي كه از آنجا اعمال مي‌شود، مشكل است. شفاف نبودن اين قبيل قواعد حتي دربخشهاي خدمات كه مقررات داخلي ابزارهاي اصلي مورد استفاده براي حمايت از توليد كنندگان داخلي در مقابل رقابت خارجي است مشكلات جديد تري به وجود مي‌آورند.

از اين رو موافقتنامه مقرر مي‌دارد كه هر كشور عضو يك يا چند واحد پاسخگو تأسيس نمايد كه ساير كشورهاي عضو بتوانند از آنها اطلاعاتي در مورد قوانين و مقررات مؤثر بر تجارت در بخشهاي خدمات را كه صنايع كشورهايشان در آنها نفع تجاري دارند بدست آورند.

علاوه بر اين به منظور كمك به عرضه كنندگان خدمات در كشورهاي در حال توسعه، موافقتنامه از كشورهاي توسعه يافته عضو مي‌خواهد واحدهاي تماس را به وجود آورند.

# 2-1-12-3) تأييد متقابل صلاحيتهاي مورد نياز براي عرضه خدمات.

شركتها يا اشخاص كه خدمات را ارائه مي‌دهند بايد گواهي ها، پروانه ها يا مجوزهاي ديگري را كه به آنها اجازه مي‌دهد تجارت كنند را بدست آورند. عرضه كنندگان خارجي اغلب در مي‌يابند كه اخذ اين قبيل مجوزها بدليل الزامات قانوني متفاوت درباره صلاحيتهاي آموزشي و تجربه كاري مشكل است. براي غلبه بر اين مشكلات موافقتنامه كشورهاي عضو خود را ترغيب مي‌كند كه ترتيبات دو يا چند جانبه را براي تأييد متقابل صلاحيتهاي مورد نياز براي اخذ مجوز منعقد كنند. علاوه بر اين مقرر ميدارد كه بايد الحاق ساير كشورهاي عضو به اين قبيل نظامهاي تأييد متقابل، در صورتي كه بتوانند نشان دهند كه استانداردها و الزامات داخلي آنها با استانداردها و الزامات اين نظامات سازگار است، آزاد باشد.

# 2-1-12-4) - مقررات حاكم بر انحصارها، عرضه كنندگان انحصاري خدمات و ساير رويه هاي بازرگاني محدود كننده

غالباً صنايع خدماتي در بازار داخلي از قدرتهاي انحصاري بر خور دارند. گاهي اوقات دولتها به تعداد اندكي از عرضه كنندگان، حقوق انحصاري براي عرضه اعطاء مي‌كنند. در تمامي‌اين قبيل موارد و اعضاء متعهدند تضمين كنند كه اين عرضه كنندگان از انحصار يا حقوق انحصاري خود سوء استفاده نكرده و يا به شيوه اي ناسازگار با تعهدات كلي و ويژه اين كشورها طبق موافقتنامه عمل نمي‌كند.

موافقتنامه در ادامه اذعان دارد كه عرضه كنندگان خدمات مي‌توانند رويه هايي را اتخاذ كنند كه ممكن است رقابترا مختل كرده و درنتيجه تجارت را محدود نمايند. هر زمان كه مشكلي از اين قبيل رخ مي‌دهد كشور عضوي كه تحت تأثير قرار گرفته، حق دارد و به منظور حذف اين رويه ها ازعضوي كه عرضه كننده خدمات در آنها مستقر است در خواست مشورت نمايد.

# 2-1-12-5) تعهدات آزاد سازي

موافقتنامه در استمرار مذاكرات در سازمان تجارت جهاني براي آزاد سازي تجارت در بخشهاي معين را تحقق مي‌بخشد علاوه بر اين، موافقتنامه مقرر مي‌دارد كه حداكثر 5 سال پس از تاريخ به اجرا درآمدن موافقتنامه سازمان تجارت جهاني ( يعني قبل از اول ژانويه 2000 ) دور جديد مذاكرات بايد آغاز گردد.

# - تعهدات دسترسي به بازار

در تجارت كالا تعهدات آزاد سازي كه كشورها تقبل مي‌كنند به شكل تثبيت تعرفه و حذف اقداماتي مثل محدوديتهاي كمي‌است كه در مرز اعمال مي‌شود.

حمايت از صنايع خدماتي داخلي اساساً از طريق مقرارت داخلي و نه از طريق اقدامات مرزي اعمال مي‌شود. از اين رو موافقتنامه تأكيد مي‌كند كه تعهدات آزاد سازي دسترسي به بازار بايد به شكل تعديل مقررات داخلي باشد تا دسترسي به بازار را براي محصولات خدماتي و عرضه‌كنندگان خدمات در چهار شيوه انجام تجارت خدمات افزايش دهد. در صورتي كه اعضا در يك بخش خدماتي تعهد دسترسي به بازار را بپذيرند نمي‌توانند برخي از محدوديتها را بر بخشهاي خدماتي اعمال كنند مگر آنكه آنرا قبلاً در جداول تعهدات خود قيد كرده باشند.

انواع محدوديتهايي كه مي‌توان در جداول تعهدات خاص درج نمود عبارتند از:

1. سقف محدوديت مالكيت خارجي :

به اين معنا كه حداكثر محدوديت درصدي براي سرمايه گذاري خارجي در جدول ذكر مي‌شود، مثلاً پاكستان در جدول تعهدات خود حداكثر سهم سرمايه گذاري خارجي براي شركتهاي بيمه عمر را 25 درصد قرار داده است.

1. اقداماتي كه انواع خاصي از داده هاي حقوقي يا سرمايه گذاري مشترك را كه عرضه كننده خدمات مي‌تواند از طريق آنها خدماتي را عرضه كند ممنوع مي‌سازد:

مثلاً تركيه تنها اجازه فعاليت شركتهاي بيمه را به صورت شركت سهامي‌عام و تعاوني داده است.

1. برقراري محدوديت در مورد تعداد كل عمليات خدمات يا ميزان كل ستاده خدماتي چه به صورت سهميه يا در قالب الزامات ناشي از معيارهاي نياز سنجي اقتصادي:

به عنوان مثال مصر در جدول تعهدات خود شرط كرده كه 50 درصد ظرفيت شركتهاي بيمه مصري بايد تكميل شود و مبناي محاسبه اين ظرفيت حاشيه توانگري[[13]](#footnote-13) اين شركتها است و مازاد آن مي‌تواند به شركتهاي بيمه جديد التأسيس اختصاص يابد و يا هند شرط نموده است كه ابتدا بايد سقف اتكايي اجباري شركتهاي بيمه داخلي تكميل شود و سپس مازاد اتكايي نزد شركتهاي بيمة خارجي واگذار گردد.

1. برقراري محدوديت در مورد تعداد كل اشخاص حقيقي كه مي‌توانند در بخش خدماتي استخدام شوند، يا يك عرضه كننده خدمات مي‌تواند آنها را استخدام نمايد  
   ( به صورت سهميه عددي يا به صورت الزام ناشي از معيارهاي نياز سنجي اقتصادي)

به عنوان مثال كشور تايوان تمامي‌شركتهاي نمايندگي و كارگزاري بيمه و شركتهاي دريافت خسارت خارجي را كه در اين كشور شعبه دارند را موظف كرده كه حداقل يك نفر تايواني را كه مجوز نمايندگي كارگزاري يا بازيافت خسارت را دارد استخدام نمايند.

1. برقراري محدوديت در مورد تعداد عرضه كنندگان خدمات چه به صورت سهميه عددي، انحصارات عرضه كنندگان انحصاري يا الزامات نياز سنجي اقتصادي: مثلاً ايالات متحده آمريكا در جدول تعهدات خود با ذكر نام ايالات در برخي از آنها حق انحصار فعاليت به بيمه گران اتكايي مستقر در آن ايالت را اعطا نموده است.

# - رفتار ملي

اصل رفتار ملي در گات، كشورهاي عضو را از اعمال مالياتهاي داخلي سنگين يا اجراي مقررات سخت تر بر كالاهاي وارداتي ( پس از آنكه عوارضي گمركي و ساير هزينه هاي مربوط در مرز ورودي پرداخت گرديد) در مقايسه با كالاهاي مشابه داخلي منع مي‌كند. اين قانون براي اطمينان از اين موضوع وضع شده است كه محصولات داخلي از حمايتي بيشتر از حمايتهاي تعرفه اي برخوردار نگردند. از آنجايي كه كشورها براي واردات خدمات تعرفه وضع نمي‌كنند و اعمال قاعده رفتار ملي به صورت اجراي يكسان قوانين ملي در مورد عرضه كنندگان داخلي وخارجي منجر به زيان ناگهاني به عرضه كنندگان داخلي مي‌شود، ماده 17 موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات مقرر مي‌كند كه تعميم اصل رفتار ملي براي كشورها منوط به نتايج مذاكرات است و كشورها طي مذاكرات چند جانبه، بخشها و زير بخشها و هم چنين شرايطي را كه در آن رفتار ملي را رعايت مي‌نمايند، مشخص مي‌كنند.

بر اساس ماده 17 موافقتنامه، اعضا مكلفند در صورت پذيرش رفتار ملي براي يك بخش، رفتاري مشابه آن رفتاري كه با عرضه كنندگان خود دارند با اعضاي ديگر داشته باشند. اگر عضوي بخواهد اقداماتي انجام دهد كه به معناي رفتار نامطلوب تر با ساير اعضا باشد، بايد اين اقدام را در جدول تعهدات خاص خود در ستون خاص كه براي همين منظور درج شده است بگنجاند.

در زمينه خدمات بيمه، كشورهاي مختلف از انعطاف پذيري موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات در اين زمينه بهره گرفته اند و موارد مختلفي در شيوه هاي مختلف عرضه خدمات بيمه اي در جداول تعهدات خود گنجانده اند. هم چنين موارد بسياري از عدم رعايت رفتار ملي در مقابل خدمات بيمه خارجيان در جداول تعهدات كشورهاي مختلف درج شده و اين موضوع براي حمايت از بازار داخلي بيمه ايران پس از الحاق به سازمان تجارت جهاني از اهميت زيادي بر خوردار است.

# 2-1-12-6) پرداختها و انتقالات

فعاليت مؤسسات مالي از جمله شركتها ي بيمه خارجي در داخل كشور ديگر و يا عرضه خدمات به شيوة بين مرزي بدون آزادي انتقال بين المللي سرمايه و پرداختهاي جاري غير ممكن است.

مادة 11 موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات از كشورهاي عضو مي‌خواهد تا در مورد انتقالات و پرداختهاي بين المللي مبادلات جاري مربوط به حوزه هاي تعهدات خاص خود محدوديت اعمال نكنند. به عبارت ديگر هدف تعهدات كه همان آزاد سازي تجارت خدمات است نبايد با جلوگيري از انتقال مبالغ لازم براي استفاده از خدمات مخدوش گردد.

به عنوان مثال در ماده 73 قانون تأسيس بيمه مركزي ايران در مورد معاملات بيمه اتكايي شركتهاي بيمه با خارج ذكر شده است كه انتقال ارز بابت دريافت خدمات بيمه اتكايي از خارج منوط به اجازه بيمه مركزي ايران است. حال اگر ما در تعهدات خود معاملات بيمة اتكايي با خارج را آزاد نمائيم، در اين صورت كسب اجازه از بيمه مركزي براي انتقال ارز مورد نياز يك مانع غير ضروري است، زيرا آزاد سازي معاملات بيمه بدون آزاد سازي انتقال ارز معنا ندارد.

# 2-1-12-7) افزايش مشاركت كشورهاي در حال توسعه

حوزة خدمات براي كشورهاي در حال توسعه حوزة پرچالشي بوده است. بيش از 80 درصد از اعضاي سازمان تجارت جهاني را كشورهاي در حال توسعه تشكيل مي دهند، لذا در موافقتنامه عمومي تجارت خدمات به نگرانيهاي اين كشورها توجه شده است. براساس ماده 4 موافقتنامه، كشورهاي در حال توسعه به منظور توسعة بخشهاي خدماتي خود در صورتي كه نياز به حفظ سطوح بالاتر حمايت داشته باشند مي توانند جهت افزايش ظرفيت داخلي خدمات خود و ارتقاء قدرت رقابت از تسهيلات ويژه‌اي برخوردار شوند.

اين كشورها مي توانند در هنگام پذيرش تعهدات آزادسازي شرايطي را وضع كنند و به واسطه آنها عرضه كنندگان خارجي را كه مايلند در صنايع خدماتي سرمايه گذاري كنند ملزم نمايند تا سرمايه گذاري مشترك انجام دهند و آنها را ملزم به انتقال فن‌آوري كنند.

برخي از اقدامات كشورهاي در حال توسعه عبارتست از:

- حضور تجاري را مشروط به سرمايه گذاري مشترك كرده اند.

- عرضه كننده خارجي را ملزم نموده اند كه سهم كمتري را در سرمايه گذاري مشترك داشته باشد.

- عرضه كننده خارجي را ملزم كرده اند كه كاركنان محلي را آموزش دهد و بتدريج كاركنان محلي را جايگزين كاركنان خارجي نمايد.

- الزام نموده اند كه تعداد معيني از اعضاي هيأت مديره از اتباع محلي باشند.

# 2-1-13) روند آزاد سازي تجارت خدمات[[14]](#footnote-14)

از اوائل دهة هشتاد تحولات فناوري و رشد و توسعه فراگير شبكه هاي ارتباطي و اطلاعاتي از يك سو و پيشرفتهاي صنعتي از سوي ديگر، ضمن آنكه امكان دسترسي توليد كنندگان و مصرف كنندگان به منابع و امكانات گسترده بخصوص در كشورهاي در حال توسعه را فراهم كرد، در عين حال موجب تشديد رقابت در بازار بين المللي شد. تجارت خدمات نيز از اين قاعده مستثني نبود و ارزشهاي نهفته فعاليتهاي خدماتي در زنجيرة‌عرضه، اهميت و نقش خود را بازيافت، لذا بسياري از كشورها طي اين دهه اقدام به اصلاحاتي در جهت رقابتي نمودن بازار كشور خود نمودنند. اصلاحات در بخش خدمات در بسياري از كشورها تحت فشار صاحبان منافع در بخش صنعت و كشاورزي آغاز شد. چرا كه اين بخشها براي بهره‌مندي از منافع ناشي از فرآيند جهاني شدن نيازمند دسترسي به نهادهاي كارآمد خدماتي بودند. كاهش تعرفه ها و ساير موانع تجاري در بازارهاي جهاني به همراه نرخهاي بالا وغير رقابتي خدمات، موجب كاهش نرخ حمايت مؤثر از صنايع مي‌گرديد. بنابراين آزاد سازي و اصلاح مقرارت در بازارهاي خدماتي به عنوان بخش مهمي‌از سياستهاي كشورها در دهه 1990 در دستور كار قرار گرفت. به علت ماهيت ساختاري خدمات مالي و ضرورت خدمات مالي كارآمد براي توسعه ساير بخشهاي اقتصادي، اين بخش يكي از حوزه هاي پيشتاز در عرصه آزاد سازي بوده است. با رشد اين بخش در كشورهاي توسعه يافته، بخصوص امريكا و فشار شركتهاي فعال خدمات مالي، براي اولين بار بحث آزاد سازي تجارت بين الملل خدمات توسط امريكا در سال 1982 مطرح گرديد.

# 2-1-13-1) چگونگي گنجاندن خدمات در نظام تجارت بين الملل

با رايزني شركتهاي خدمات مالي آمريكايي و در رأس آنها دو شركت بزرگ آمريكايي شركت امريكن اكسپرس[[15]](#footnote-15) و شركت بيمه امريكن[[16]](#footnote-16) اينترنشنال گروپ با نمايندة تجاري دفتر امريكا و تحت فشار اين گروه و ساير گروههاي ذي نفع در داخل امريكا موضوع توسط امريكا در نشست وزراء مطرح گرديد. اما در اين زمينه اجماع حاصل نشد و با مخالفت برخي از كشورهاي در حال توسعه بي ميلي كشورهاي اروپايي مواجه شد. اما كشورهاي عضو در اين نشست تعهد نمودند. كه به بررسي داخلي بخشهاي خدماتي خود و آثار اجراي مقرارت مشابه گات در تجارت خدمات در اين بخشها بپردازند. پس از آن در مذاكرات دور اروگوئه موضوع آزاد سازي تجارت خدمات بطور جدي مطرح گرديد و در دستور كار مذاكرات قرار گرفت. طرح انواع معضلات از سوي كشورهاي در حال توسعه از جمله مشكلات تراز پرداختها، تهديدات فرهنگي، سوء استفاده از اطلاعات و توسعه نيافتگي بخشهاي خدماتي اين كشورها، باعث شد مذاكرات خدمات به عنوان موضوعي جدا از مذاكرات كالايي در دستور قرار گيرد.

اهميت تجارت خدمات و ويژگيهايي خاص خدمات باعث شد كه مذاكرات خدمات به يكي از حساسترين حوزه هاي مذاكراتي تبديل شود. سطوح مختلف توسعه كشورها در بخش خدمات، تنوع و گستردگي انواع خدمات، ويژگيهاي خاص خدمات و ماهيت متفاوت آنها با كالا به لحاظ نوع محدوديتهايي كه كشورها براي حمايت از بخشهاي خدماتي خود اعمال مي‌كنند و هم چنين ضرورت نظارت و اقدامات تنظيمي‌دولتها بر فعاليت عرضه كنندگان، مجموعاً باعث شد كه موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات از ساختاري منعطف و در عين حال پيچيده بر خوردار گردد. پيچيدگي موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات، بازتاب تنشهاي مذاكراتي ميان كشورها در دور اروگوئه است. گنجاندن خدمات در نظام چند جانبه تجارت جهاني نشانگر اهميت روز افزون تجارت خدمات در اقتصاد جهاني است. تجارت خدمات از دهه 80 تاكنون بالاترين رشد را در تجارت جهاني به خود اختصاص داده است و در دهه 90 همپاي رشد تجارت كالا سالانه به طور متوسط6 درصد رشد داشته است.

# 2-1-13-2) سابقه مذاكرات خدمات مالي در چارچوب موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات

خدمات مالي در موافقتنامه عمومي‌تجارت خدمات به دو حوزة بزرگ تقسيم مي‌شود: يكي خدمات بيمه و مرتبط با بيمه و دوم بانك و ساير خدمات مالي.

خدمات بيمه شامل بخشهاي بيمه زندگي و غير زندگي، بيمه هاي اتكايي و واسطه گري بيمه مي‌شود. خدمات بانكي نيز تمام خدمات بانكي را در بر مي‌گيرد. ساير خدمات مالي شامل مبادلات ارزي و اوراق بهادار و انواع خدمات مالي مي‌باشد.

در پايان دور اروگوئه مذاكرات خدمات مالي در كنار چند حوزه حساس ديگر همچنان ادامه پيدا كرد. در دور اروگوئه طي مذاكرات خدمات مالي، برخي كشورها تعهداتي در زمينه دسترسي به بازار و رفتار ملي ارائه دادند، اما اين تعهدات بسيار محدود بودند. لذا مذاكرات خدمات مالي براي 6 ماه تمديد شد ولي هم چنان نتايج مذاكرات براي شركت كنندگان رضايت بخش نبود. بنابراين مقرر شد كه دو سال بعد يعني در سال 1997 مذاكرات مجدداً آغاز شود. در مذاكرات سال 1995، بيست و نه كشور عضو، به علاوه كشورهاي عضو اتحاديه اروپا، تعهدات آزاد سازي را پذيرفتند و اين تعهدات به پروتكل دوم موافقتنامه ضميمه گرديد. يعني در سال1995، تعداد كشورهاي متعهد به آزاد سازي تجارت خدمات از 76 كشور به 97 كشور افزايش يافت و در سال 1997، شمار كشورهاي متعهد به 102 كشور رسيد. و با الحاق كشورهاي جديد اين رقم به 106 افزايش يافت.

ضميمه هاي GATS حاوي قواعد خاصي است كه بر نقش خدمات مالي در ثبات اقتصادي كشورها صحه مي‌گذارد. موارديكه از حوزه موافقتنامه مستثني شده اند، عبارتند از اقدامات بانك مركزي و مقامات پولي،تأمين اجتماعي و تضمينهاي دولتي براي منابع مالي بخش عمومي‌و هم چنين اقداماتي كه در حوزه مالكيتي دولت مي‌باشد، مانند سياستهاي ارزي و فعاليت نهاد هاي عمومي‌كه از منابع مالي دولت استفاده مي‌كنند. هم چنين اين ضميمه به كشورهاي عضو اجازه مي‌دهد كه اقدامات احتياطي براي حمايت از استفاده كنندگان خدمات مالي، از جمله بيمه‌گذاران توسط دولتها، همچنان انجام گيرد، اما نبايد اين اقدامات به گونه اي باشد كه وسيله اي براي سرباز زدن از تعهدات اعضاء گردد.

# 2-1-13-3) تعهدات خدمات مالي در مورد كشورهايي كه اخيراً به سازمان تجارت جهاني پيوسته اند

فضاي روند مذاكرات خدمات در پايان دور اروگوئه به گونه اي بود كه اكثر اعضاء تعهدات گسترده اي را در بخشهاي مختلف خدماتي نپذيرفتند. اما خدمات مالي جزء حوزه هايي بود كه كشورها تعهدات نسبتاً گسترده اي را در آن پذيرفتند. اما اين تعهدات همراه با درج محدوديتهاي زيادي در جداول بودو معرف حفظ وضع موجود بوده است. يعني در واقع اكثر كشورها پيشاپيش خود را متعهد به تغيير در قوانين و قواعد موجود و آزاد سازي ننموده اند. تنها 10 كشور پيشاپيش خود را متعهد به آزاد سازي كردند. از اين 10 كشور نيز 4 كشور جزء گروهي بودند كه موافقتنامه هاي گسترده براي آزاد سازي تجارت كالا و خدمات با اتحاديه اروپا داشتند وبقيه نيز به علت برخورداري از بازارهاي بزرگ از سوي ساير كشورها براي گشودن بازار خود تحت فشار قرار داشتند.

اما در مورد كشورهايي كه پس از پايان دور اروگوئه به سازمان تجارت جهاني پيوسته‌اند وضع به گونه ديگري است. شيوه مذاكرات براي اين كشورها با دور اروگوئه تفاوت زيادي كرده است. به عنوان مثال در دور اروگوئه كشورهاي در حال توسعه اين حق را داشتند كه تعهدات خاص را صرفاً به يك بخش محدود كنند اما اكنون حتي پيشنهاد محدودكردن تعهدات خاص به سه بخش براي كشورهاي با كمترين ميزان توسعه يافتگي مورد حمايت نيست. لذا كشورهايي كه اخيراً به سازمان جهاني تجارت ملحق شده اند و يا در حال الحاق به WTO هستند با شرايط پيچيده و انتظارات گسترده اي مواجهند و تعهداتي كه پذيرفته اند فراتر از متوسط تعهدات كشورهاي پيشرفته مي‌باشد. از گسترده ترين حوزه هاي تعهدات اين كشورها پس از خدمات گردشگري در زمينه خدمات مالي است. اين موضوعي است كه بايد مورد توجه سياستگذاران در عرصه خدمات مالي ( اعم از بانك و بيمه) مورد بررسي قرار گيرد. تمامي‌كشورهاي ملحق شده در سطح بالايي متعهد به آزاد سازي بازارهاي خدمات مالي شده اند و تعداد بسيار كمي‌از آنها براي خود دوره هاي انتقالي در نظر گرفته اند. بررسي تعهدات اين كشورها در بخش بيمه نشان ميدهد كه در اين بخش محدوديتهاي كمي‌براي حضور تجاري شركتهاي خارجي وجود دارد اما در زمينه عرضة بيمه به شيوه بين مرزي برخورد محتاطانه تري توسط اين كشورها اتخاذ شده است.

در زمينة بيمه اتكايي، هوانوردي، بيمه هاي دريايي و بيمه هاي حمل ونقل كه ماهيتاً بين المللي‌ترين انواع معاملات بيمه اي هستند تعهدات بيشتري براي شيوة يك (عبوراز مرز) سپرده شده است.

# 2-1-14 )عضويت در سازمان تجارت جهاني[[17]](#footnote-17)

الحاق به سازمان را نبايد به چشم هدفي مستقل نگريست، بلكه بايد آنرا عنصري كليدي در مسير اجراي اهداف سياستهاي توسعه اي تجارت ملي به شمار آورد. اين اهداف مي‌بايد به روشني قبل از شروع جريان الحاق تعريف شده باشند، به نحوي كه شرايط الحاق به ويژه توافقات و تعهدات خاص در خصوص دسترسي خارجيان به بازار كالا و خدمات داخلي و نيز ديگر تعهدات تحت پوشش موافقتنامه هاي سازمان تجارت جهاني (يارانه هاي صنعتي، كشاورزي، سياستها ي مربوط به سرمايه گذاري خارجي و حقوق و مالكيت فكري و غيره) در دامنه محدوديتهاي اين سياست قرار گيرند. اگر قرار باشد الحاق با شرايط متعادلي انجام گيرد و منافع ملي با حساسيت بيشتري دنبال شود، بايد از قبل آمادگي و هماهنگي تام بين نهادهاي دولتي و توافق همه گير سياسي در كشور به وجود آمده و به خوبي دانسته شود كه مذاكرات الحاق جرياني مشكل، پيچيده و گاه زمان بر است. چنين مذاكراتي مسائل راهبردي و بلند مدت را كه برسياستهاي توسعه و تجارت كشورهاي درگير تأثير دارد و با آينده اين كشورها پيوند مي‌دهد.

# 2-1-14-1 ) مشكلات و پيچيدگيهاي الحاق به سازمان تجارت جهاني[[18]](#footnote-18)

الحاق به سازمان تجارت جهاني جرياني مشكل تر و پيچيده تر از الحاق به گات 1947 است، چرا كه اولاً موافقتنامه هاي چند جانبه سازمان تجارت جهاني مقررات و اصول جامعتر و محدودكننده تري را فراروي تجارت كالايي قرار داده و علاوه بر اين حدود اين مقرارت و اصول را به تجارت خدمات (شامل سرمايه گذاري، حمل ونقل، مخابرات، ورود و خروج اشخاص حقيقي و...) و حقوق مالكيت فكري نيز تسري داده است. همچنين از كشورهاي متقاضي الحاق خواسته شده است تمامي‌اين موافقتنامه هاي چند جانبه را بپذيرند. و در ضمن علاوه بر درخواست هماهنگ كردن رژيم تجاري خود با اصول چند جانبه خواسته مي‌شود وارد مذاكرات امتياز دهي در مورد تثبيت و كاهش تعرفه ها، تعهد پذيري در يارانه هاي كشاورزي و سپردن تعهدات خاص در بخشهاي مختلف تجارت خدمات گردند. ثانياً موضع كشورهاي مهم تجاري در مقابل كشورهاي متقاضي هر چه بيشتر حالت طلبكارانه پيدا كرده است و اين امر «استانداردهاي الحاق» را به طور مؤثري افزايش داده است. بعضي اين موضع را اتخاذ كرده اند كه كشورهاي جديد بايد تعهدات بيشتري نسبت به آنچه قبلاً اعضاي اصلي پذيرفته اند به عهده گيرند. در عمل معناي اين موضع آنست كه كشورهاي جديد در بخش خدمات، تعهدات و ميزاني از تثبيت نرخ تعرفه ها را بپذيرند كه همتراز تعهدات كشورهاي بسيار پيشرفته است. گذشته از مورد فوق اين موضع بدان معناست كه كشورهاي تازه وارد نمي‌توانند از مقرارت مربوط به رفتار ويژه و متفاوت كه براي كشورهاي در حال توسعه و اقتصادهاي در حال گذار تنظيم گرديده بهره مند شوند و نيز ازآنها خواسته مي‌شود بعضي موافقتنامه هاي ميان چند طرف را بپذيرند. تا25 اكتبر سال 1995، 110 كشور به سازمان ملحق شده بودند. پس از اين زمان تعدادي از كشورهاي ديگر كه در خواست عضويت در سازمان را داشتند، طي مذاكراتي به عضويت سازمان تجارت جهاني در آمدند. در اين مذاكرات اين كشورها متعهد مي‌شدند كه اقداماتي براي مطابقت دادن قوانين ملي خود با مقررات موافقتنامه چند جانبه به عمل آورند. علاوه بر اين لازم است تعرفه ها و اصلاح مقررات خود را به عهده بگيرند تا دسترسي بيشتري را براي كالاها و خدمات خارجي فراهم نمايند.

# 2-1-14-2 ) نقش و وظيفه آنكتاد و در پروسه الحاق[[19]](#footnote-19)

در اجلاس نهم آنكتاد (كنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد) در سال 1996 جامعه بين المللي، مشاركت كشورهاي در حال توسعه و اقتصادهاي در حال گذار در نظام تجاري بين الملل را وسيله اي براي حداكثر رساندن منافع اين كشورها در جريان جهاني شدن و آزاد سازي شناخته و نقش اصلي آنكتاد در زمينه تجارت را تسهيل و توسعه چنين مشاركتي تعريف نمود. در چنين بستري وظيفه ياري به كشورها براي الحاق به سازمان تجارت جهاني بر عهده آنكتاد گذاشته شد. قانون عمومي‌حاكم بر الحاق در بند يك ماده 12 موافقتنامه مراكش براي تأسيس سازمان تجارت جهاني ( موافقتنامه جهاني تجارت) اظهار ميدارد كه هر كشور ( و يا محدوده گمركي مستقل) مي‌تواند با شرايط توافق شده ميان آن كشور ( و يا محدوده گمركي) با اعضاي اين سازمان، بدان ملحق شود.

اين بدان معناست كه در عمل- هر چند مقرارت موافقتنامه هاي چند جانبه بايد مبناي تعهدات باشد، بسياري از مسائل مشمول موافقتنامه چند جانبه مي‌تواند موضوع مذاكره و اعمال فشار از سوي اعضاي سازمان تجارت جهاني در جريان الحاق قرار گيرد.

# 2-1-14-3) فرايند الحاق[[20]](#footnote-20)

بر خلاف ديگر سازمانهاي بين المللي از جمله سازمان ملل متحد و صندوق بين المللي پول و بانك جهاني، شرايط الحاق به سازمان تجارت جهاني به مانند گات نشانگر خصوصيات خاص اين سازمان به عنوان نهادي« فراگير» براي اداره اجرا و مذاكرات تعهد آور قرار دادي بين دولتها در خصوص روابط تجاري آنهاست. در اين سازمان اعضا متعهد مي‌شوند كه اصول و قوانين موافقتنامه هاي تجاري چند جانبه را بپذيرند، اصول و قوانيني كه مستقيماً بر رويه ها و سياستهاي تجاري آنها تأثير مي‌گذارد. الحاق رويه اي يك جانبه است، بدين معني كه اعضاي سازمان خواسته ها و تقاضاهاي خود را به كشور متقاضي اعلام مي‌كنند، در حاليكه كشور متقاضي نمي‌تواند از اعضاء چيزي بخواهد. تقاضا ي كشورهاي عضو اين است كه در مقابل حق استفاده از منافع آزاد سازي كه در نتيجه مذاكرات تجاري چند جانبه قبلي حاصل آمده است. كشور متقاضي بايد« حق عضويت» به شكل امتياز دهي در نرخ تعرفه ها، قبول تعهد براي يارانه هاي كشاورزي و تجارت خدمات بپردازد. البته پس از قبول عضويت، با كشور جديد مانند ديگر اعضا رفتار مي‌شود و اين كشور مي‌تواند بر مبناي اصل رفتار متقابل در مذاكرات آتي سازمان در قبال امتيازاتي كه مي‌دهد از طرفهاي تجاريش امتياز بخواهد.

نمودار تشريفات الحاق به سازمان تجارت جهاني، مراحل مختلفي را كه بايد توسط كشور متقاضي الحاق طي شود را نشان مي‌دهد.

**نمودار (2-1-2) : تشريفات الحاق به سازمان تجارت جهاني[[21]](#footnote-21)**

**درخواست الحاق ( ارسال نامه اي رسمي‌به مدير كل سازمان تجارت جهاني)** تجارت)

**ارسال نامه مزبور به اعضا**

(**شوراي عمومي) درخواست الحاق وتشكيل گروه كاري- بررسي حدود امتيازات و تعيين رئيس گروه كاري**

تسليم گزارش رژيم تجارت خارجي كشور متقاضي به دبيرخانه

طرح سوالات مربوط به گزارش مزبور توسط اعضاي سازمان

و پاسخگويي توسط متقاضي الحاق

] مسير مذاكرات مربوط به دسترسي به بازار خدمات[ مذاكرات مربوط به تعهدات مربوط به حمايت داخلي در بخش كشاورزي يارانه هاي صادراتي

جدول امتيازات و تعهدات در مورد كالاها

] مسير مذاكرات (گروه كاري )[ بررسي رژيم تجارت خارجي و انطباق آن با موافقتنامه هاي WTO و شرايط خاص الحاق

تهيه بيش نويس گزارش گروه كاري براي ارائه به شوراي عمومي‌كنفرانس وزيران، پيش نويس تصميم ( در مورد الحاق كثر متقاضي) پروتكل الحاق

] مسير مذاكرات مربوط به دسترسي به بازار خدمات[ مذاكرات مربوط به تعهدات خاصي در مورد خدمات

جدول تعهدات خاصي در مورد خدمات

# 2-1-15) سازمان تجارت جهاني و كشورهاي در حال توسعه

قبول پروتكل الحاق از سوي كشور متقاضي الحاق

**پروتكل لازم الاجرا و كشور متقاضي الحاق عضو سازمان مي‌گردد.**

شوراي عمومي‌كنفرانس وزيران تأييد گزارش گروه كاري و تصويب پيش نويس تصميم مربوط به الحاق كشور متقاضي ( با اكثريت  آراء)

سي روز پس از تأييد كشور متقاضي الحاق

در فصل چهارم گات تحت عنوان تجارت و توسعه، امتيازات ويژه‌اي براي جذب ممالك در حال توسعه در نظر گرفته شده است كه مهمترين آنها عبارتند از :[[22]](#footnote-22)

الف- ممالك توسعه يافته صنعتي پذيرفته اند كه در برابر ممالك در حال توسعه از اصل مساوي بودن و متقابل بودن امتيازات كه از اصول اوليه حاكم بر مذاكرات گات است، صرف نظر كنند. و با كاهش يا حذف موانع بر سر راه صادرات ممالك در حال توسعه از امتيازات و تعهدات متقابل مساوي چشم پوشي نمايند.

ب- ممالك در حال توسعه حق دارند سياستهاي توسعه اقتصادي خود را در جهت ايجاد تعادل و ارتقاء سطح زندگي مردم اعمال نمايند و توسعه اقتصادي اين ممالك در جهت اهداف گات شناخته شده است.

پ- ممالك در حال توسعه مي‌توانند و حق دارند سياستهاي تعرفه اي خاص (حمايتي) براي تأمين و يا حفظ صنايع خاص خود اعمال نمايند.

ت- كشورهاي در حال توسعه حق دارند براي حفظ تعادل در موازنه پرداختها، محدوديتهاي مقداري ( برخلاف مقررات گات) بر واردات داشته باشند.

ث- دادن فرصت زماني بيشتر و يا گرفتن امتياز كمتر از ممالك در حال توسعه، در توافقهاي دور اروگوئه در مورد محصولات كشاورزي، حذف سوبسيد ها، حذف كمكهاي دولتي، در مورد حمايت از اموال معنوي و در مورد كلية امور مربوط به بخش خدمات( بانكداري، بيمه، توريسم، حمل ونقل) يا معافيتهاي خاص براي كشورهاي در حال توسعه در نظر گرفته شده و يا به آنها اجازه داده شده است كه امتياز كمتري در هر مورد واگذار كنند و يا مدت بيشتري براي اجراي تعهدات خود داشته باشند.

# 2-1-16) ايران و سازمان تجارت جهاني[[23]](#footnote-23)

مومضوع عضويت ايران در موافقتنامه تعرفه و تجارت ( گات) از سال 1338 مورد مطالعه قرار گرفت و دو نفر از ايران به عنوان عضو ناظر در كنفرانس بين المللي گات شركت كردند و متعاقب آن مطالعات كارشناسي شوراي عالي اقتصاد در اين زمينه شروع شد. بعد از انقلاب اسلامي‌موضوع عضويت ايران، زمينه اختلاف ميان موافقان و مخالفان الحاق بود و كميته هاي مختلف در دستگاههاي اجرايي مختلف و نهادهاي ديگر از جمله وزارت بازرگاني، وزارت امور خارجه و مجلس شوراي اسلامي، موضوع امتيازات و يا به عكس زيانهاي ناشي از اين الحاق را به بحث و بررسي و نقد و انتقاد گذاشتند. ليكن در حال حاضر تمامي‌اين مباحث با انحلال گات و تأسيس سازمان تجارت جهاني منتفي شده است و موضوعيت ندارد.

در حال حاضر ايران در منطقه اي قرار دارد كه تقريباً همسايگانش قبلاً عضويت و يا عضويت ناظر گات را داشته اند و يا اينكه به صورت عضو سازمان تجارت جهاني درآمده اند. از سوي ديگر تمام شركاي تجاري اروپايي ايران سالها است كه عضو گات هستند و اعضاي اصلي سازمان تجارت جهاني به شمار مي‌روند.

با توجه به اينكه كشورهاي عضو سازمان جهاني 95 درصد حجم تجارت را به خود اختصاص داده اند و از طرفي، بيش از 90 درصد از تجارت خارجي ايران با كشورهاي عضو سازمان تجارت جهاني انجام مي‌شود، مسلماً براي اينكه ايران از انزواي اقتصادي خارج شود، ضرورت پيوستن ايران به اين سازمان اجتناب ناپذير است.

**2-1-16-1) الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني**

در تاريخ 5 خرداد 1384 ( 26مه سال 2005 ميلادي) در نشست شوراي عمومي‌سازمان تجارت جهاني كه تصميمات 148 كشور عضو آن به صورت اجماع اتخاذ مي‌شود،آمريكا براي نخستين بار آغاز مذاكرات در مورد عضويت ايران در WTO را وتو نكرد. ايران نخستين بار در دومين سال تأسيس سازمان تجارت جهاني ( تيرماه 1375، ژوئيه 1996) خواستار پيوستن به سازمان تجارت جهاني شد و در ماه مه 2001 ميلادي نخستين بار نامزدي آن براي اين عضويت مطرح گرديد. اما در نشست‌هاي متعدد شوراي عمومي‌كه از آن پس تشكيل شد، واشنگتن هر بار با استفاده از حق وتو، مانع از آغاز روند عضويت ايران شده بود.

بسياري از هيأت هاي نمايندگي در سازمان تجارت جهاني با انتقاد از مخالفتهاي آمريكا استدلال مي‌كردند كه دادن امكان عضويت ايران در اين سازمان مي‌تواند محركي براي اصلاحات در ايران باشد و به نفع همسايگان آن كشور در خاورميانه تمام شود.

از روز پنج شنبه 5 خرداد ماه 1384، ايران به عضويت ناظر سازمان تجارت جهاني درآمده و در اصل بيست ونهمين كشور عضو ناظر در اين سازمان است.

اكنون ايران براي عضويت كامل در سازمان تجارت جهاني يك فرايند نسبتاً طولاني را بايد طي كند. پيوستن رسمي‌ايران به اين سازمان، نيازمند فرايندي است كه شايد ده سال طول بكشد. در اين فرايند (الحاق)، اقتصاد ايران بايد خود را براي پيوستن به سازمان تجارت جهاني آماده و بسترهاي مناسب آنرا فراهم نمايد.

**2-1-16-2) مراحل هفت گانه عضويت ايران در سازمان تجارت جهاني**

پذيرش درخواست عضويت ايران در WTO به اين معنا نيست كه به زودي مذاكرات آغاز مي‌شود، زيرا ابتدا بايد مقدمات فرآيند الحاق ايران به اين سازمان انجام شود كه مستلزم طي مراحل متعدد و انجام مذاكرات دو جانبه و چند جانبه است.

سازمان تجارت جهاني با اعلام اينكه جمهوري اسلامي‌ايران در تاريخ 26 مه سال 2005 ميلادي به عنوان عضو ناظر اين سازمان پذيرفته شد و با تشكيل كار گروه الحاقي مربوط به اين كشور فرآيند الحاق ايران به اين سازمان آغاز شد، افزود: كار گروه الحاق ايران مانند ديگر كار گروهها يك رئيس خواهد داشت كه اين شخص پس از مشورت ايران با ديگر اعضا از بين يكي از اعضاي سازمان تجارت جهاني غير از ايران انتخاب خواهد شد.

اولين مرحله الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني ارائه ياد داشت نظام تجارت خارجي ايران به كار گروه الحاقي است. دولت ايران بايد تمامي‌جنبه هاي نظام تجارتي و قانوني خود را به كار گروه الحاقي خود ارائه كند. اين يادداشت پايه و اساس تصميم گيريهاي بعدي كار گروه خواهد بود. در مرحلة دوم، كار گروه الحاقي ايران در اولين نشست خود به بررسي اين نظام تجاري مي‌پردازد و كشورهاي عضو كار گروه سئوالات خود را در خصوص اين يادداشت از تيم مذاكره كنندة ايراني مي‌پرسند و تيم ايراني بايد پاسخ مناسب را به آنها بدهد و آنها را متقاعد كند. پس ار بررسي تمامي‌جنبه هاي نظام تجاري و قانوني در كار گروه الحاقي، مرحله سوم كه يكي از حساسترين مرحله هاست آغاز مي‌شود.

كار گروه الحاقي ايران در مرحله سوم به بخش اصلي الحاق يعني مذاكرات چند جانبه با اعضا مي‌پردازد و در اين مذاكرات شرايط و ضوابط الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني مشخص خواهد شد. اين شرايط و ضوابط تعهداتي است كه ايران بايد در خصوص رعايت قوانين سازمان به مجرد عضويت در آن بدهد.

مرحلة چهارم الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني كه همزمان با مرحله سوم اجرا مي‌شود،انجام مذاكرات دو جانبه ايران با تك تك اعضاي كار گروه در خصوص توافقات تجاري دو جانبه است و در اين مرحله است كه ايران بايد با تك تك اعضاي كار گروه در خصوص امتيازها و تعهدات مبادلات تجاري كالا و خدمات و دسترسي دو كشور به بازار يكديگر به توافق برسد. نتايج مذاكرات ايران در مراحل سوم و چهارم شامل سه سند جداگانه است كه بايد در مرحله پنجم به تصويب نهايي اعضاي كار گروه برسد.

سند اول عبارت است از گزارش خلاصه اقدامات، شرح مذاكرات و شرايط الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني كه در كار گروه تهيه شده است.

سند دوم پروتكل الحاقي است كه شامل شرايط و ضوابط مورد قبول ايران و ديگر اعضاي كار گروه جهت عضويت ايران در سازمان تجارت جهاني است كه در مذاكرات چند جانبه كار گروه تدوين شده است.

سند سوم نيز عبارتست از توافقات انجام شده بين ايران و تك تك اعضاي كار گروه در خصوص امتيازها و تعهدات مبادلات تجاري كالا و خدمات و دسترسي دو كشور به بازار يكديگر.

سه سند مذكور در قالب يك مجموعه اسناد الحاقي در مرحله پنجم بايد در نشست پاياني كار گروه به تصويب نهايي اعضاي كار گروه برسد.

مرحله ششم عضويت دائم ايران در سازمان تجارت جهاني ارائه گزارش نهايي كار گروه به شوراي عمومي‌سازمان تجارت جهاني و تصويب اين گزارش در شوراي عمومي‌يا نشست وزيران است.

پس از تصويب نهايي اسناد الحاقي ايران در شوراي عمومي‌يا كنفرانس وزيران اين سازمان، سه ماه به ايران مهلت داده مي‌شود تا مصوبه شوراي عمومي‌سازمان تجارت جهاني را در مجلس شوراي اسلامي‌به تصويب برساندو اين خان هفتم عضويت دائم ايران در اين سازمان است. سي روز پس از آنكه دولت ايران تأييد مصوبه مذكور در مجلس شوراي اسلامي‌را به اطلاع دبيرخانه اين سازمان برساند، به عضويت كامل و دائم در سازمان تجارت جهاني در خواهد آمد.

گفتني است كه در حال حاضر 30 كشور عضو ناظر سازمان تجارت جهاني هستند كه از مدتها پيش در حال مذاكره براي عضويت دائم در اين سازمان مي‌باشند.

در اين بين الجزاير 18 سال پيش يعني سال 1987 كه عضو ناظر شد، در حال مذاكره براي عضويت دائم در اين سازمان است و در اين خصوص ركورددار است و كشورهاي روسيه، عربستان، بلاروس و اوكراين نيز از سال 1993 يعني 12 سال پيش در حال مذاكره هستند تا به سازمان تجارت جهاني ملحق شوند.

**2-1-16-3) جنبه هايي از تعارضات حقوقي ايران با مقررات WTO در صنعت بيمه**

هر يك از كشورهاي جهان كه بخواهند به WTO ملحق شوند مي‌بايست قوانين و مقررات داخل خود را با آئين نامه ها و مقررات آن منطبق سازند. چنانچه جمهوري اسلامي‌ايران بخواهد به WTO بپيوندد ممكن است اين انطباق بعضاً با موازين اسلامي‌و قوانين و مقررات مدني وفق ندهد. به موجب لايحه قانون ملي شدن مؤسسات بيمه و مؤسسات اعتباري سال 1358 طبق مواد (1) و (2) «به منظور حفظ حقوق بيمه گذاران و گسترش صنعت بيمه در سراسر كشور و گماردن بيمه در خدمت مردم از تاريخ تصويب اين قانون كليه مؤسسات بيمه كشور ضمن قبول اصل مالكيت مشروع مشروط، ملي اعلام مي‌شود و پروانه فعاليت نمايندگي هاي مؤسسات بيمه خارجي در ايران لغو مي‌شود»

به علاوه طبق قانون بيمه مصوب 1316 (ماده 35) واگذاري سهام مؤسسات بيمة ايراني غير دولتي به اشخاص حقيقي يا حقوقي تا بيست درصد با موافقت بيمه مركزي ايران مجاز است و بيش از آن موكول به پيشنهاد بيمه مركزي ايران و تأييد شوراي عالي بيمه وتصويب هيأت وزيران خواهد بود. تبصره اين ماده نيز مقرراتي دارد كه انتقال سهام مؤسسات بيمه ايراني به دولتهاي خارجي يا انتقال بيش از 49 درصد سهام آنها به اشخاص حقيقي يا حقوقي خارجي را مطلقاً ممنوع كرده است و انتقال سهام بين سهامداران اتباع خارجي بايد با موافقت قبلي بيمه مركزي ايران صورت گيرد.

لذا حتي چنانچه تبصره ماده 35 مبني بر مشاركت 49 درصد شركتهاي بيمه خارجي در ايران پذيرفته شود اين ماده مغاير با بند 1 و 2 از ماده 16 توافق نامه GATS مي‌باشد (دسترسي به بازار) زيرا براساس اين بند برقراري محدوديتهايي در مورد مشاركت سرماية خارجي از لحاظ حداكثر درصد سهام خارجي يا برحسب كل ارزش يكايك يا مجموع سرمايه گذاريهاي خارجي ممنوع است. براساس ماده 46 قانون بيمه، مؤسسات خارجي بايد طبق آيين نامه اي كه به پيشنهاد بيمه مركزي ايران و به تصويب شوراي عالي بيمه مي‌رسد مبلغي براي هريك از دو رشتة بيمه هاي زندگي و غير زندگي نزد بيمه مركزي ايران توديع نمايد. همچنين براساس ماده 47، انتقال درآمد مؤسسات بيمه خارجي پس از تكميل وديعة مذكور در ماده 46 به خارج بلامانع خواهد بود.

مشروط بر آنكه رقم انتقالي در هر سال از ده درصد مبلغي كه به عنوان وديعه در نزد بيمه مركزي است تجاوز نكند. هم چنين براساس بند (ج) از ماده GATS، برقراري محدوديتهايي در مورد تعداد كل عمليات خدمات يا مقدار كل ستاندة خدماتي اعلام شده بر حسب واحدهاي عددي چه به صورت سهميه و يا در قالب الزام ناشي از يك معيار نياز سنجي اقتصادي ممنوع است و لذا ماده 46 و 47 قانون بيمة كشور مغاير با مواد ب و ج از ماده GATS مي‌باشد كه لازم است تا اين مغايرتها رفع گردد.

همچنين طبق موافقتنامه مذكور، مؤسسات پولي و بانكي و بيمه خارجي مي‌توانند در قلمرو اعضا تشكيل شوند. در حاليكه قوانين مورد بحث در راستاي اصل 44 قانون اساسي، فعاليت اين نوع مؤسسات را ملي اعلام كرده و بدين ترتيب راه را براي فعاليت عرضه كنندگان خدمات مالي بسته است.

# 2-1-17) مزيتهاي عضويت در سازمان تجارت جهاني [[24]](#footnote-24)

الف ) به كارگيري موافقتنامه هاي سازمان تجارت جهاني عموماً منجر به افزايش فرصتهاي تجاري براي كشورهاي عضو مي‌گردد.

ب ) اصول چند جانبه اي كه سختگيري شديدتري به همراه دارند، محيط تجاري امن تر و قابل پيش بيني تري را تضمين مي‌نمايند و اطمينان بيشتري در روابط تجاري فراهم مي‌آورند.

پ ) فقط اعضا مي‌توانند از حقوق مندرج در موافقتنامه هاي سازمان استفاده نمايند.

ت ) موافقتنامه هاي سازمان شفافيت سياستها و روشهاي تجاري شركاي تجاري را قوياً افزايش داده، بدين وسيله موجب ارتقاي ثبات روابط تجاري مي‌گردد.

ث ) اعضا براي دفاع از منافع و حقوق تجاري خود ‌به ساز و كار حل اختلاف دسترسي دارند.

ج) عضويت از طريق مشاركت مؤثر در مذاكرات تجاري چندجانبه سازمان، باعث پيشرفت منافع تجاري و اقتصادي اعضاء مي‌گردد.

چ) در برخي موارد، توافقات تعرفه اي، تعهدات در بخش خدمات و ديگر جنبه هاي رژيم تجاري اعضاي سازمان در قالب موافقتنامه هاي منطقه اي يا دو جانبه، به غير اعضا نيز تسري پيدا مي‌كند.

كشورهاي غير عضو در حال توسعه و اقتصادهاي در حال گذاري كه از چنين ترتيباتي نيز استفاده نمي‌كنند با شرايط به مراتب بدتري مواجه هستند. به نظر مي‌رسد انگيزه بسياري از كشورهاي متقاضي الحاق بيشتر گريز از شرايط نامناسب براي كشورهاي غير عضو و همچنين زدودن تصوير منفي «خارج از نظام بودن»؛ بخصوص از ديد سرمايه گذاران بالقوه است.

# 2-1-17-1) منافع حاصل از پيوستن به سازمان تجارت جهاني در بخش خدمات

از جمله منافع اهميت واردات خدمات است. تعهداتي كه برخي كشورهاي در حال توسعه در بخش مالي پذيرفته اند منجر به تأسيس هر چه بيشتر بانكها، شركتهاي بيمه و شركتهاي اوراق بهادار خارجي در آن كشورها خواهد شد و همچنين كارايي و رقابت صنايع توليدي و توليدكنندگان كشاورزي تا حدود زيادي به فراهم بودن خدمات (بانكداري، بيمه و ساير خدمات) و وجود نظام ارتباطات راه دور و زير ساخت اطلاعاتي بستگي دارد.

از طرف ديگر، با پذيرش موافقتنامه فرصت جديدي براي صنايع خدماتي كشورهاي در حال توسعه براي همكاري با صنايع خدماتي خارجي و انتفاع از تكنولوژي آنها فراهم مي‌گردد.

در بسياري از كشورهاي در حال توسعه امر تأمين مالي براي تجارت خارجي با مشكل مواجه است و بازارهاي آتي يا سلف وجود ندارد. خدمات بيمه پرهزينه است و دايره پوشش ريسك به اندازه كشورهاي توسعه يافته نيست. در چنين اوضاعي ورود ارائه‌كنندگان خارجي خدمات مالي مي‌تواند به رفع اين محدوديتها و مشكلات كمك نمايد.

و از آنجايي كه ارائه كنندگان خارجي خدمات مالي از مزاياي اقتصاد انبوه بهره مند هستند بنابراين قدرت رقابتي توليدكنندگان كالا در كشورهاي در حال توسعه از طريق فراهم سازي دسترسي آزادتر اين ارائه كنندگان خدمات مالي به بازارهاي مالي كشورهاي در حال توسعه بهبود يافته و تقويت خواهد شد.

مزيت ديگر آزادسازي بخش خدمات مالي اين است كه به كارگيري تكنولوژي هاي به اصطلاح نرم (نظير مهارتهاي سازماني، دانش مديريتي و بازاريابي) در اقتصاد داخلي كه قبلاً در دسترس نبوده اند سبب مي‌شود اين تكنولوژيها از طريق فرآيند سرريز شدن در اختيار عرضه كننده داخلي قرار گيرد.

ورود ارائه كنندگان خارجي خدمات مالي هم چنين اين امكان بالقوه را در اختيار كشورهاي در حال توسعه ميزبان قرار مي‌دهد تا بتوانند به منابع جديد تأمين مالي خارجي دست يابند.

اما از طرف ديگر بايد گفت كه هر چند ورود ارائه كنندگان خارجي خدمات مالي ممكن است اثري مثبت بر رقابت در اقتصاد داخلي كشورهاي در حال توسعه ميزبان داشته باشد و هزينه ها را كاهش دهد هم چنين ممكن است توسعه خدمات مالي داخلي را با كندي مواجه سازد.

در بسياري از كشورهاي در حال توسعه خدمات مالي صنايع پويا هستند بنابراين هدف بهبود بخشيدن به قدرت رقابتي در كالاها بايد با هدف توسعه خدمات مالي كه بتواند رقابت نمايد مقايسه و منافع و مضار هر يك در مقابل ديگري سبك و سنگين شود.

# 2-1-18) چالشها و فرصتها در فرايند جهاني شدن اقتصاد[[25]](#footnote-25)

جهاني شدن ، اقتصاد كشور را با چالشها و فرصتهايي روبه رو خواهد كرد كه مهمترين آنها را مي‌توان به شرح زير برشمرد:

### الف ) چالشها

1- تحول در نقش دولت و مفهوم سنتي حاكميت

كاهش موانع تجاري و ادغام روزافزون بازارهاي كالا و سرمايه، لحظه اي شدن موانع تجاري و ادغام روزافزون بازارهاي كالا و سرمايه، لحظه اي شدن انتقال اطلاعات و الكترونيكي شدن مبادلات،‌اقتدار دولتها را در تعيين قيمتهاي اسمي‌(قيمت كالاها، ميزان بهره، نرخ ارز و تا حدودي دستمزدها) تضعيف كرده است. در واقع هر گونه تفاوت ميان قيمتهاي داخلي و جهاني به حركت عظيم منابع به داخل و خارج از كشور منتهي مي‌شود و قيمتهاي داخلي به سمت قيمتهاي جهاني گرايش مي‌يابد. در اين شرايط اعمال حاكميت در عرصه اقتصاد مفهوم سنتي خود را از دست مي‌دهد و دولت نه به عنوان يك عامل تعيين كننده بلكه به عنوان يك عامل تنظيم و هماهنگ كننده در عرصه اقتصاد ملي نمايان مي‌شود.

2- رقابتي نبودن برخي از توليدات كشور و دولتي بودن اقتصاد

با وجود اقتصاد نيمه دولتي و غير رقابتي بودن بخشهايي از صنايع كشور (نظير خودروسازي، منسوجات و پوشاك، محصولات الكترونيكي) ورود ايران به عرصه جهاني ممكن است با مشكلات قابل ملاحظه اي در عرصه رقابت با محصولات خارجي همراه باشد و دست كم در كوتاه مدت توليد و اشتغال را تهديد كند.

3- مديريت دوران گذار

جهاني شدن و ادغام در روند جهاني شدن، در كوتاه مدت، اقتصاد كشور را با مشكلات و فشارهاي جديدي مواجه خواهد كرد كه مقابله با آنها مستلزم مديريتي قوي ، علمي‌و آينده نگر است. همزمان افزايش فقر و بيكاري ناشي از اين دوران موجب تحميل فشاري مضاعف بر گروههاي آسيب پذير خواهد شد.

4- انتقال سريعتر ضربه هاي (شوكهاي ) جهاني و اهميت متغيرهاي جهاني در سياستگذاري اقتصادي

يك اقتصاد جهاني شده به مراتب بيش از يك اقتصاد نيمه بسته و حمايت شده در معرض ضربه هاي جهاني قرار مي‌گيرد. در اين شرايط علاوه بر وضع اقتصاد داخلي، بايد به شرايط بين المللي نيز اشراف كامل داشت و هر گونه تصميم گيري و سياستگذاري اقتصادي را با عنايت به تبعات داخلي و خارجي آن تنظيم و اجرا كرد.

5- حفظ ثبات داخلي

در اقتصاد نيمه بسته، نبود ثبات اقتصادي و سياسي در كشور، بازتاب مشخص و محدودي دارد. اما در اقتصاد جهاني شده اين وضع داراي اهميت و حساسيت بيشتري است. چرا كه قبلاً اين بي‌ثباتيها تنها با واكنش منفي سرمايه گذاران داخلي رو به رو بود، اكنون با واكنش سرمايه گذاران خارجي نيز رو به روست. ( به عنوان نمونه، افزايش موانع تعرفه اي و غير تعرفه اي در WTO مي‌تواند مورد اعتراض و اقدام متقابل شركاي تجاري واقع شود)

6- اصلاحات ساختاري مورد نياز

جهاني شدن مستلزم يكسري اصلاحات ساختاري در قوانين، مقررات، سازماندهي و تشكيلات دولت نيز خواهد بود. قوانين و مقرراتي كه بر مبناي نگاه به بازارهاي داخلي وضع شده اند نمي‌توانند با شرايط جديد همخواني داشته باشند. ديوان سالاري (بوروكراسي)، تصدي گري و مالكيت وسيع دولت در اقتصاد، عدم توجه به شايسته سالاري در تشكيلات و سازماندهي فعاليتهاي دولت، استفاده از روشهاي سنتي در مبادلات و انجام امور حاكميتي و ضعف در اطلاع رساني و بي‌توجهي به قواعد و استانداردهاي جهاني از جمله مقوله هايي هستند كه بايد به سرعت مورد اصلاح قرار گيرند.

### ب ) فرصتها

ادغام در اقتصاد جهاني، در كنار چالشها، فرصتهايي را نيز به ما عرضه خواهد كرد كه مهمترين آنها در صورت عملكرد صحيح ، عبارتند از:

1- جذب سرمايه و فناوري خارجي

با جهاني شدن اقتصاد كشور و رفع موانع موجود، ورود سرمايه خارجي به دليل مزيتهاي نسبي موجود و بالقوه افزايش خواهد يافت كه نتيجه اين ورود سرمايه مي‌تواند افزايش سرمايه گذاري و اشتغال در كشور و نوسازي صنايع باشد. هم چنين خصوصي سازي شركتهاي دولتي و بهبود مديريت آنها مي‌تواند تسريع و تقويت شود.

2- بروز مزيتهاي رقابتي، توسعه صادرات غيرنفتي و كاهش اتكاء به صدور نفت خام

در حال حاضر، حمايت از صنايع داخلي، منابع را به سمت توليد براي بازار داخلي هدايت مي‌كند اما با منطقي شدن اين حمايتها، بخش بزرگتري از منابع به سمت توليدات صادراتي جهت‌گيري خواهد شد.

3- رقابتي شدن اقتصاد و افزايش رفاه مصرف كنندگان

باز شدن اقتصاد، تحريف و اختلال در قيمتها را اصلاح خواهد كرد و با منطقي شدن حمايتها و تضعيف انحصارات، اقتصاد رقابتي تر خواهد شد. طبعاً مصرف كنندگان داخلي از اين امر بيشترين بهره را خواهند برد و رفاه آنها افزايش خواهد يافت.

4- شفافتر شدن و ايجاد ثبات در قوانين و مقررات كشور

انطباق با قوانين و مقررات بين المللي در كنار هزينه هايي كه به اقتصاد كشور تحميل مي‌كند، منافعي را نيز فراهم خواهد كرد.

اول اينكه به قوانين و مقررات داخلي ما ثبات و شفافيت خواهد بخشيد. زيرا ديگر نخواهيم توانست آنها را به ميل خود تفسير و يا به صورت مكرر تغيير دهيم.

دوم، ثبات و شفافيت قوانين و مقررات براي سرمايه گذاران خارجي و داخلي زمينه بهتري براي برنامه ريزي و سرمايه گذاري فراهم خواهد كرد.

سوم: برنامه ها و سياستهاي اقتصادي دولت در اين چارچوب اعتبار بيشتري خواهد داشت.

5- ايجاد تعامل منطقي بين سياست و اقتصاد

در يك اقتصاد نيمه بسته معمولاً سياست بر اقتصاد غلبه دارد و اغلب، منافع سياسي تعيين كننده روابط اقتصاديست. در نتيجه روابط اقتصادي هر لحظه در معرض خطر تحولات سياسي قرار دارد و اين امر براي عاملان اقتصادي به مفهوم بالا بودن ريسك و هزينه انجام مبادلات است. اما در يك اقتصاد جهاني شده، منافع اقتصادي دست كم به ميزان منافع سياسي اهميت دارد و از تحميل سياست بر اقتصاد تا حد زيادي جلوگيري مي‌شود.

6- تسريع در اصلاحات ساختاري

انجام اصلاحات ساختاري نظير خصوصي سازي، رفع انحصارات،‌اصلاح قوانين و مقررات، واقعي كردن قيمتها و منطقي كردن حمايتها در يك اقتصاد نيمه بسته بسيار دشوار است، زيرا منافع برخي از گروهها را به خطر مي‌اندازد. اما افزوده شدن الزامات جهاني، اين امكان را فراهم مي‌كند كه اين اصلاحات با سرعت و اعتبار بيشتر به اجرا درآيد.

7- ارتقاي سطح علمي‌تصميم گيري ها

جهاني شدن نقش تعيين كننده اي در جهاني شدن علوم و انتشار سريع آمار و اطلاعات دارد. علاوه بر اين با انتشار سريع جديدترين يافته هاي علمي، زمينه را براي كاهش فاصله علمي‌بين كشورها فراهم كرده است. تصميم گيري به ناچار بايد با استفاده از علوم و فنون جديد اتخاذ شود از اين رو شايسته سالاري و ارتقاي سطح علمي‌تصميم گيري ها يكي ديگر از فرصتهاي جهاني شدن است.

به رغم تمامي‌چالشها و فرصتهايي كه ذكر شد، به نظر مي‌رسد كه پيوستن به روند جهاني شدن اقتصاد امري گريزناپذير است چرا كه اكثر تبعات آن در هر صورت به ما تحميل خواهد شد و كناره گرفتن از اين روند ما را از چالشهاي مذكور مصون نگاه نخواهد داشت و مي‌توان گفت ادامه وضع موجود ما را با پيامدهاي به مراتب نامطلوب‌تر مواجه خواهد ساخت. به عبارت ديگر ادامه وضعيت موجود موجب درونگرا تر شدن هر چه بيشتر اقتصاد خواهد شد. در نتيجه از حضور در مجامع و موافقتنامه هاي اقتصادي بين المللي با تبعات اقتصادي و تجاري خاص بركنار خواهيم ماند و به جاي حضور فعال در اين مجامع و تلاش در جهت تطبيق تصميمات آنها با منافع ايران، تنها پذيراي تحميلي اين تصميمات خواهيم شد.

# منابع فارسي

1. ابراهيمي، احمد، فناوري اطلاعات، تجارت الكترونيك و بيمه‌هاي الكترونيكي، فصلنامه ‌آسيا، تابستان 1383.

2. ابوترابي، اصغر (گزارشگر)، ICT اولويت نخست، فصلنامة آسيا، تابستان83.

3. « اثرات عضويت در WTO بر صنعت بيمه چين» ، ترجمة علي ميري زاده، تازه هاي جهان بيمه، شماره 77، آبان 1383.

4.آسوده، سيدمحمد، تجديد ساختار مقررات براي بازارهاي بيمة‌در حال توسعه، فصلنامه صنعت بيمه، شماره 45،بهار1376.

5. اديب، محمد حسين، سازمان تجارت جهاني نمايي خودماني، صنايع پلاستيك، شماره169، خرداد 1381.

6. اكبر زاده، رضا، خصوصي سازي در صنعت بيمه فرصتها و تهديدها، فصلنامه صنعت بيمه، شماره59، پاييز 1379.

7. امير اصلاني، اسدالله، تأثير آزاد سازي و خصوصي سازي صنعت بيمه بركارايي شركتهاي بيمه، فصلنامه صنعت بيمه، شماره 60، زمستان 1379.

8. اوترويل، ژان فرانسوا، « مباني نظري و عملي بيمه»، ترجمة عبدالناصر همتي- علي دهقاني، تهران: بيمه مركزي ايران،1381.

9- ايران، 7/3/84، ص 21.

10- “بازار بيمه كشورهاي در حال توسعه پس از موافقتنامة عمومي تجارت خدمات” ، ترجمه علي اعظم محمدبيگي، فصلنامة صنعت بيمه.

11. بهكيش، محمد مهدي، اقتصاد ايران در بستر جهاني شدن، چاپ دوم، تهران: قفنوس،1381.

12. بيدرام، رسول، همگام با اقتصاد سنجي، چاپ اول، تهران: منشور بهرووري،1381.

13- بيمه مركزي، گزارش آماري عملكرد صنعت بيمه، 1370.

14. بيمة مركزي ايران، گزارش آماري عملكرد صنعت بيمه، 1381.

15. “تجارت خدمات در سازمان تجارت جهاني”، ترجمه مسعود كمالي اردكاني – ميترا نصيري، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگاني، 1383.

16- “ تحولات آرام صنعت بيمه چين” ، ترجمه مهناز سيحون – عليرضا معيني، فصلنامة آسيا، تابستان 1383.

17. پاكدامن، رضا، رفتار ويژه با كشورهاي در حال توسعه در نظام حقوقي سازمان تجارت جهاني، مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني.

18. حبيبي. فاتح، تصريح و تخمين مدل تقاضاي توريسم ايران با استفاده از PooLing data پايان نامه كارشناسي ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تهران، 1381.

19. خرمي، محمد مظفر ( گزارشگر)، خصوصي سازي و آزاد سازي صنعت بيمه، فصلنامه آسيا، شمارة 17، زمستان 79.

20. خسروي نژاد، علي اكبر، برآورد تابع تقاضاي نان براي خانوارهاي شهري ايران ( كاربردي از مدلهاي با اطلاعات ادغام شده)، فصلنامه پژوهشها و سياستهاي اقتصادي .شماره 20،1380

21. دبيرخانه آنكتاد، چگونگي الحاق به سازمان تجارت جهاني، مترجمان ابوالقاسم بنيات و ديگران، چاپ اول، تهران: چاپ ونشر بازرگاني، 1381.

22. دفتر مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني، تحولات بيمه هاي بازرگاني در ايران از آغاز تا سال 1370، چاپ اول، تهران: بيمه مركزي ايران، 1372.

23. دقيقي اصل، عليرضا، يك مدل پيشنهادي براي آزاد سازي و خصوصي سازي صنعت بيمه، شماره 59، پائيز 1379.

24. دنياي اقتصاد، 7/3/84 و 9/3/84 ،‌ص 5.

25.رشيدي،ع، عضويت ايران در سازمان تجارت جهاني تحليلي از نظرات موافق و مخالف، اتاق بازرگاني، شماره11.

26. رفعتي، محمد رضا و ديگران، جهاني شدن و اقتصاد ايران، بررسيهاي بازرگاني، شماره6، خرداد و تير 1383.

27. رفيعيان، ضياء، علتهاي اساسي عدم توسعه بيمه در ايران، فصلنامه آسيا، تابستان 1380.

28. رقابت و همكاري در بازار آينده، فصلنامة آسيا، شماره هاي 32 و 33، پائيز و زمستان 1383.

29. رضا زاده، بهرام ، تنگناهاي رقابتي كشور در پيوستن به سازمان تجارت جهاني و استراتژيهاي مؤثر، فصلنامة مطالعات مديريت، شماره 30، بهار و تابستان 80.

30. رضويان، محمد تقي و بهاري جوان. معصومه و آذري محبي، رضا، تدوين سياستهاي بهينه تجارت خارجي ايران ( صادرات) براي پيوستن به سازمان تجارت جهاني، پژوهشنامه اقتصادي ، ص40-13

31. سر افراز، ليلا، بررسي موانع قانوني پيوستن ايران به سازمان تجارت جهاني با نگرشي بر سياستهاي بازرگاني موجود در زمينه ماشينها و دستگاههاي برقي، اطلاعات سياسي اقتصادي، شماره 178-177، خرداد و تير 1381.

32. سواديان، ه، بررسي تأثير پيوستن ايران به سازمان تجارت جهاني بر صادرات صنايع نساجي،‌پايان نامه كارشناسي ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تهران، 1379

33. صادقيان، علي، چشم انداز دور جديد مذاكرات تجاري چند جانبه، مجله اقتصادي، دور دوم، سال اول، ص 40-37

34. صفدري، جواد، راهكارهاي مشاركت بخش خصوصي در صنعت بيمه، فصلنامه صنعت بيمه، شماره 59، پائيز 1379.

35. ضميري، معصوم، مؤسسات بيمه و بازار سرمايه، فصلنامه صنعت بيمه، شماره 39، پائيز 74

36. عبده تبريزي، حسين ، نقش صنعت بيمه در بازارهاي سرمايه جهاني شده، بورس، آذر 80

37. عظيمي، حسين، بيمه، توسعه و زندگي اقتصادي در جامعه، فصلنامه صنعت بيمه، شماره 51، پائيز 1377.

38. قادر، كريمي راد، فرهنگ كاربردي صنعت بيمه، انگليسي-فارسي / فارسي، انگليسي، تبريز: گلباد، 1381

39. كدخدايي، حسين، نقش پس اندازي بيمه در اقتصاد خانوار، فصلنامه صنعت بيمه، شماره 51، پائيز 1377.

40. كريمي، آيت، كليات بيمه، تهران: بيمه مركزي ايران، 1376

41. ــــــــــــ، تمهيدات لازم براي حضور موفق بخش خصوصي در بازار بيمه، فصلنامه آسيا، شماره 19، تابستان 1380.

42. ــــــــــــ، ضرورت ايجاد بازار رقابتي بدون تعرفه در صنعت بيمه كشورهاي درحال توسعه، فصلنامه صنعت بيمه، تابستان83.

43. ــــــــــــ، تحليلي بر خصوصي سازي صنعت بيمه، فصلنامه صنعت بيمه، سال 9، شماره 35، پائيز 1373.

44. كمالي اردكاني، مسعود، موافقتنامه عمومي تجارت خدمات ( جزوه آموزشي)، دفتر نمايندگي تام الاختيار تجاري جمهوري اسلامي ايران، تابستان 1383.

45. كميجاني، اكبر، تحليلي پيرامون تجارت و تجربه عملي پيوستن برخي از كشورها به سازمان تجارت جهاني و آثار اقتصادي الحاق ايران به آن، وزارت امور اقتصادي و دارايي، 1374

46. ــــــــــــ، نگاهي اجمالي به شكل گيري سازمان تجارت جهاني و تحليلي از جنبه هاي حقوقي و اقتصادي ناشي از الحاق ايران به WTO، پژوهشها و سياستهاي اقتصادي، زمستان 1375.

47. محقق زاده، فاطمه، تحليل تفصيلي آثارالحاق ايران به سازمان تجارت جهاني بر روي صنعت بيمه كشور، پايان نامه كارشناسي ارشد رشته برنامه ريزي و تحليل سيستمهاي اقتصادي، دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات، 1382

48. محمود صالحي، جانعلي،حقوق بيمه، تهران: بيمه مركزي ايران، 1381

49. مدني اصفهاني، محبوبه، وضعيت موافقتنامه عمومي تجارت خدمات و مشكلات پذيرش آن از سوي ايران، پژوهشنامه اقتصادي

50. مرزبان، حسين، ضرورت خصوصي سازي جهت كارانمودن بيمه در ايران، فصلنامه صنعت بيمه، پائيز 1379.

51. مديريت آموزش و انتشارات، مجموعة قوانين و مقررارت بيمه‌هاي بازرگاني، چاپ ششم، تهران: بيمه مركزي ايران، 1382.

52. مركز تجارت بين‌الملل، آشنايي با قوانين سازمان تجارت جهاني (88 پرسش و پاسخ)، ترجمة گروه كارشناسان مذاكرات تجاري در نمايندگي تام الاختيار تجاري جمهوري اسلامي ايران، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگاني 1381.

53. مركز تحقيقات بيمه اي، مقدمه اي بر تجربه آزاد سازي و خصوصي سازي بيمه در آسيا  
( 10 كشور منتخب)، اسفند 1380.

54. “ مناسب ترين بازارها براي خدمات بيمه اي” ، ترجمة محمد علي فنايي، روش، سال9 ، فصلنامه مطالعات مديريت، شماره30، بهار و تابستان 1380.

55. ميراحسني، منير السادات، ارزيابي امكان استفاده از توانمنديهاي صنعت بيمه ايران براي حمايت از بنگاههاي توليدي پس از ورود به سازمان تجارت جهاني، پايان نامه كارشناسي ارشد رشته برنامه ريزي و تحليل سيستمهاي اقتصادي، دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات، 1382

56. نادران، الياس ونصيري اقدم، علي، تأثير خصوصي سازي و آزاد سازي صنعت بيمه بر كارايي صنعت بيمه و شركتهاي فعال در آن، فصلنامة صنعت بيمه، شماره 59، پائيز 1379.

57. “ نگاهي به صنعت بيمه تركيه”، ترجمة مريم حاجي بابايي، فصلنامة آسيا، زمستان 1380.

58. نصيري‌، ميترا، بررسي الزامات الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني در بخش خدمات بيمه، مقاله ارائه شده در “همايش توسعه اقتصادي جمهوري اسلامي ايران و عضويت در سازمان تجارت جهاني” ، مهر 1382

59. ــــــــــــ، بررسي جدول تعهدات ويژه خدمات بيمه در برخي از كشورهاي تازه ملحق شده به سازمان تجارت جهاني، نمايندگي تام الاختياري تجاري جمهوري اسلامي ايران، اسفند 1380

60. نقش شركتهاي بيمه‌خارجي در صنعت بيمة در حال ظهور چين”، ترجمه انصاري، تازه هاي جهان بيمه، شماره 80، بهمن 1383

61. نوازني، بهرام، ايران و پيامدهاي جهاني شدن يا جهاني سازي، اطلاعات سياسي اقتصادي، شماره 189-188.

62. نوفرستي، محمد، آمار در اقتصاد و بازرگاني ، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: رسا، 1380.

63. هژيركياني، كامبيز، اقتصاد سنجي و كاربرد آن، چاپ دوم، تهران: ققنوس، 1377

64. همتي، عبدالناصر، جايگاه بيمه در اقتصاد ايران، فصلنامة صنعت بيمه، شماره 49، بهار 1377.

# - منابع انگليسي

1. Baltagi,BadiH, Econometric Analysis of panel Data. 1995.

2. CHen JI And STEVE THOMAS,WTO and china’s financial Services Sector,2002

3. WWW.SWISSRE. COM

4. WWW.WTO. Org

1. - وزارت امور اقتصادي و دارايي،« تحليلي پيرامون تجارت، تجربه عملي پيوستن برخي از كشورها با گات و آثار اقتصادي الحاق ايران به آن»، تير 1374- [↑](#footnote-ref-1)
2. - Most-Fovoured Nation [↑](#footnote-ref-2)
3. - General system of Tariff preference [↑](#footnote-ref-3)
4. - پاكدامن، رضا، رفتار ويژه با كشورهاي در حال توسعه در نظام حقوقي سازمان تجارت جهاني [↑](#footnote-ref-4)
5. - سرافرار، ليلا.« بررسي موانع قانوني پيوستن ايرا ن به سازمان جهاني تجارت با نگرش بر سياستهاي بازرگاني موجود در زمينه ماشينها و دستگا ههاي برقي » اطلاعات اقتصادي، شماره 178-177، خرداد و تير 1381 [↑](#footnote-ref-5)
6. - مؤسسه مطالعات و پژوهشها وبازرگاني، راهنماي تجاري دور اروگوئه، 1375 [↑](#footnote-ref-6)
7. - موافقتنامه WTO ماده 6 بند 1و4 [↑](#footnote-ref-7)
8. - وزارت امور اقتصادي و دارايي،« تحليلي پيرامون تجارت، تجربه عملي پيوستن برخي از كشورها به گات و آثار اقتصادي الحاق ايران به آن »، تير 1374. [↑](#footnote-ref-8)
9. - صادقيان، علي. « چشم انداز دور جديد مذاكرات تجاري چند جانبه جهان» مجله اقتصادي، دور دوم، سال اول شماره دوم. ص 40-37 [↑](#footnote-ref-9)
10. - مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني، راهنماي تجاري دور اروگونه، سال 1375. [↑](#footnote-ref-10)
11. - نصيري.م، بررسي الزامات الحاق ايران به سازمان تجارت جهاني در بخش خدمات بيمه، مقاله ارائه شده در همايش « راهبرد توسعه اقتصادي جمهوري اسلامي‌ايران و عضويت در سازمان تجارت»، تير 1382. [↑](#footnote-ref-11)
12. - مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني، راهنماي تجاري دور اروگونه، 1375. [↑](#footnote-ref-12)
13. - Solvency Margin [↑](#footnote-ref-13)
14. - نصيري، م، بررسي الزامات الحاق ايران به سازمان جهاني تجارت در بخش بيمه، مقاله ارائه شده در همايش « راهبرد توسعه اقتصادي جمهوري اسلامي‌ايران و عضويت در سازمان جهاني تجارت» مهر 1382. [↑](#footnote-ref-14)
15. - American Express [↑](#footnote-ref-15)
16. - American International Groop [↑](#footnote-ref-16)
17. - دبيرخانه آنكتاد، نمايندگي تام الاختيار تجاري جمهوري اسلامي‌ايران، چگونگي الحاق به سازمان تجارت جهاني، 1381. [↑](#footnote-ref-17)
18. - نصيري، م. [↑](#footnote-ref-18)
19. - دبيرخانه آنكتاد، نمايندگي تام الاختيار تجاري جمهوري اسلامي‌ايران، چگونگي الحاق به سازمان جهاني تجارت،1381 [↑](#footnote-ref-19)
20. - دبيرخانه انكتاد، نمايندگي تام الختيار جمعوري اسلامي‌ايران، چگونگي الحاق به سازمان جهاني تجارت،1381 [↑](#footnote-ref-20)
21. - دبيرخانه آنكتاد، نمايندگي تام الاختيار جمهوري اسلامي‌ايران، چگونگي الحاق به سازمان جهاني تجارت، 1381. [↑](#footnote-ref-21)
22. - رشيدي، ع، عضويت ايران در سازمان تجارت جهاني تحليلي از نظرات موافق و مخالف، اتاق بازرگاني، شماره 11 ، سال 1374. [↑](#footnote-ref-22)
23. - سواديان، 5، بررسي تأثير يوستن ايران به سازمان تجارت جهاني بر صادرات محصولات صنايع نساجي ايران، دانشكده مديريت دانشگاه تهران، 1379 [↑](#footnote-ref-23)
24. - نمايندگي تام الاختيار تجاري جمهوري اسلامي‌ايران، چگونگي الحاق به سازمان جهاني تجارت، ص 7. [↑](#footnote-ref-24)
25. - جهاني شدن و اقتصاد ايران، بررسيهاي بازرگاني، شماره 6، خرداد و تير 1383. [↑](#footnote-ref-25)